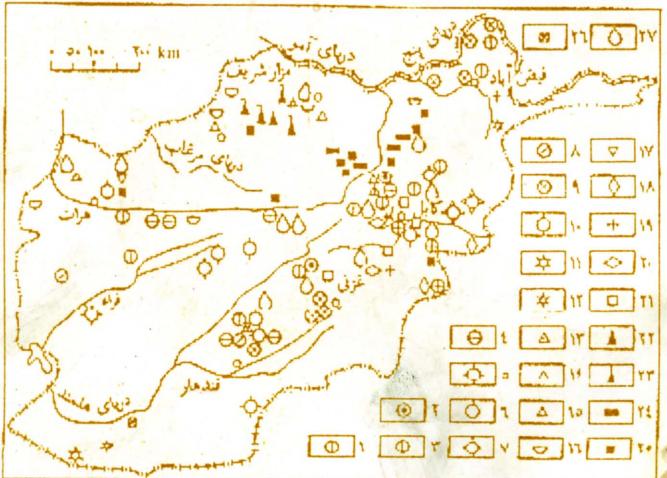




د پلوم انجینیرستانه میرزه هیر

هندکه‌ای بیست ساله و تیاهی ذخایر معدنی افغانستان

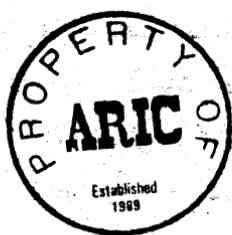


نشد: مواد معدنی افغانستان

- ۱ - آهن، ۲ - ستابانیز، ۳ - کرومین، ۴ - سرب و جست، ۵ - مس، ۶ - باکسیت‌ها، ۷ - بریلیوم، ۸ - قلعی، ۹ - طلا، ۱۰ - سیمان، ۱۱ - لاجورد، ۱۲ - ارگونیت، ۱۳ - فلوریت، ۱۴ - سلفر، ۱۵ - باریت، ۱۶ - نمک، ۱۷ - لائشوریت، ۱۸ - نالکه، ۱۹ - گرایت، ۲۰ - ابرک، ۲۱ - موس، ۲۲ - لفت، ۲۳ - گاز، ۲۴ - زغال استخراج شونده، ۲۵ - زغال سگ استخراج شونده، ۲۶ - اورانیوم، ۲۷ - آب مراحل.

Ketabton.com

جنگهای بیست ساله و تباہی ذخایر معدنی افغانستان



نویسنده

دپلوم انجینیر ستانه میر زهیر

۱۳۷۷ ش

شناستنامهء کتاب

- * نام کتاب : جنگهای بیست ساله و تباہی ذخایر معدنی افغانستان
- * نویسنده : دپلوم انجیئر سرتانه میر زهیر
- * ناشر : مرکز مطالعات افغانستان
- * سال چاپ : ۱۳۷۷ ش / ۱۹۹۸ ع
- * جای چاپ : تاب پرنیز - پشادر
- * تبراز : ۲...
- * مهتم : محمد ظاهر بابری
- * کمپوزر : سید حسین پاچا

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	* فصل اول
۷	تاریخ مطالعات و نقشه جیلوجیکی افغانستان
۱۴	- مطالعات جیلوجیکی افغانستان
۱۶	- نقشه جیلوجیکی افغانستان
۱۸	- احجار انتروزیفی افغانستان - احجار متحوله افغانستان - آتششانهای افغانستان
۲۱	* فصل دوم
۲۳	معدن مواد مفیده افغانستان
۲۴	- معدن مواد مفیده محترقه
۲۶	- معدن زغال سنگ
۳۰	- منابع نفت و گاز در افغانستان
۳۰	- معدن مواد مفیده فلزی
۳۴	- منابع آهن در افغانستان
۳۵	- مس
۳۶	- کرومین
۳۶	- سرب و جست
۳۷	- یورانیم
۳۷	- طلا و نقره در افغانستان

الف

صفحة	عنوان
۲۹	- معادن مواد مفیده، غیرفلزی
۳۹	- تالک
۴۰	- بیزیت
۴۰	- نمک
۴۱	- معادن مواد ساختمانی
۴۳	- سنگهای قیمتی و تزئینی
۴۵	- لاجورد
۴۷	- لعل
۴۷	- زمرد
۴۷	- کونسیت
۴۸	- امیتیت
۴۸	- یاقوت
۴۸	- سنگ شاه مقصود
۴۹	- بیریل و تورمالین
۴۹	- منابع آبهای زیرزمینی

* فصل سوم

۵۲	خسارات واردہ به ذخایر معدنی افغانستان
۵۵	- خسارات واردہ به مؤسسات علمی جیولوژی
۵۸	- خسارات واردہ به معادن استراتیژیک کشور
۷۵	- نتیجه
۷۷	- پیشنهادات
۸۰	- سرشمه ها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقدمه

بیست سال ادامه جنگ در کشور ضربات سنگینی بر پیکر اقتصاد ملی افغانستان وارد کرد . و در قام عرصه های اقتصاد ملی مانند : زراعت ، مالداری ، جنگلات ، صنایع ، تجارت وغیره خسارات هنگفتی به بار آورد .
علاوه بر آن عرصه های دگری از حیات اجتماعی ، سیاسی ، علمی و فرهنگی ما نیز شدیداً مناثر گردیده است که میتوان آن را چنین توضیح کرد :
اردوی آبدیده و مقتدر که باشتن از نوامیس ملی ، داراییهای عامه و بالاخره از حقوق حقه مردم این کشور دفاع و حراست میکرد از بین برده شد و وسائل مدرن جنگی آن که جزو

سرمایه، ملی کشور بود پارچه، پارچه گردید و در بازارهای کشورهای همسایه به نازلترين قیمت فروخته شد.

میراثهای فرهنگی ما را - که در موزیمهای آرشیفها گردآوری شده بودند - چپاولکران به تاراج برداشتند. خانه‌های مسکونی، پلها، پندها، سوکها، فابریکه‌ها همه تخریب و بنا از بین رفتند. غربت، بیکاری و بی‌امنیتی به اوج خود رسید. کادرهای کشوری ولشکری آواره گردیدند. حکومت مرکزی از بین رفت و ذخایر بزرگ معدنی کشور که در آعماق زمین و قلوب کوههای مرتفع کشور موجود بودند واستند، مصوّن نماندند و مورد دستبرد اشخاص و افراد قرار گرفتند. هرگاه انتقال کوههای بزرگ - که در آن ذخایر معدنی موجود استند - امکان پذیر نمی‌بود، ما امروز معادن بزرگ آهن حاجیگلک و مس عینک - که در منطقه ویراعظم آسیا ثانی ندارد - هرگز غیداشتیم، ولی آنچه قابل انتقال بود صرفه بیان برآن نکرد. همه را برداشتند و می‌برند.

ذخایر سنگهای قیمتی مانند: لاجورد، زمرد، بیروج تورمالین، یاقوت، کونسیت، سنگ شاه مقصود؛ سنگهای تعمیراتی مانند: سنگ رخام، سنگ مرمر، گچ وغیره؛ سنگهای معدنی فلزی مانند: آهن، مس، جست، سرب و سنگهای معدنی غیرفلزی مانند: بیکاریت، تالک، ابرک، سنگ ریشه وغیره به شکل غیرفنی وغیرقانونی استخراج و به بازارهای کشورهای بیکاریه انتقال گردیدند و خسارات بزرگ

را به ذخایر مشمر منابع معدنی کشور وارد کردند.

در این رساله نخست بر تاریخ مطالعات جیولوژیکی

کشور، در فصل دوم راجع به معادن مواد مفیده معدنی که

تا هنوز کشف نشده اند و در فصل سوم خساراتی که جنگ

در دو دهه برو آن وارد آورده توضیحات مختصر ارائه شده

است. و آنهم به خاطری که هموطنان گرامی تصویری از

خشارات وارد را داشته، در صورت ایجاد یک حکومت

مرکزی در بازسازی کشور از ذخایر مهم و استراتیژیک معدنی

کشور خود آگاهی قبلی داشته باشند.

با احترام

دپلوم المجنبر ستانه میر زهیر

فصل اول

تاریخ مطالعات و نقشهء جیولوجي افغانستان

تاریخ مطالعات جیولوجي و مواد مفیده معدنی :
افغانستان کشور است که در قلب قارهء بزرگ آسیا
موقعیت دارد و یک بر سه حصهء آن را سلسله کوههای مرتفع
احتوا نموده ، به حیث یک کشور کوهستانی مشهور است . در
این کوهها ذخایر بزرگ معدنی نهفته است . مدت‌ها قبیل از
عصر ما در بدخشان لاجور و نمک استخراج می‌نمودند . در
قرون وسطی در کوههای کندهار و کابل میس ، از فیض آباد
و مر طلا ، از درهء پنجشیر نقره و از فرنجبل غوریند جست به
دست می‌آوردند . در سالهای بعدی موجودیت آهن ، زغال

سنگ، نمک و مرمر به اثبات رسید. با وجود معادن سرشار و متنوع، ساحه افغانستان در نقشه جیولوژیکی جهان تا سال ۱۹۵۴ م به شکل یک لکه سفید تبارز کرده بود که غایانگر عدم اجرای امور نقشه برداری جیولوژیکی بود. فقط ساحه ناچیزی توسط جیولوگستان فرانسوی فیورن و دگران (۱۹۲۶ - ۱۹۵۱) نقشه برداری گردیده بود. در قرن گذشته جیولوگستهای انگلیسی گریز باخ و هایدن در حصر شمالی و مرکزی کشور تحقیقات لازم جیولوژیکی انجام دادند. عمدت ترین مرحله، مطالعه جیولوژیکی افغانستان از سال ۱۹۵۵ آغاز میشود. در آن زمان در شهر کابل ریاست تخصصی نفت و گاز تأسیس گردید. پیش از سال ۱۹۵۵ م متخصصین جیولوژیکی کمپنی امریکایی وسویدنی (۱۹۳۱ - ۱۹۵۵) در صفحات شمال کشور به بررسی و تثبیت ذخایر نفت گاز پرداخته بودند. امریکاییها ناحیه یتیم تاق را، که در ده کیلومتری شهر شبرغان واقع است تعیین کردند وسویدنیها به حفر چاهی در انگوت که نزدیک سریل ولايت جوزجان واقع است پرداختند، ولی نتیجه، مشتب نگرفتند. به ادامه کارهای مذکور در سال ۱۹۵۸ م جیولوگستان افغانی با متخصصین اتحاد شوروی سابق در شمال کشور کار تفحص نفت و گاز طبیعی را شروع کردند که با مؤقت انجام یافت. کارهای مذکور با مطالعه همه جانبیه ساختمان جیولوژیکی و ترتیب نقشه های جیولوژیکی توأم بود.

در سالهای ۱۹۵۸ الی ۱۹۶۱ م در منطقه کابل متخصصین فرانسوی به ثامنهای منیسه ولاپران نقشه برداشت جیولوژیکی ساده کابل را تکمیل نمودند . از سال ۱۹۵۹ جیولوژستان آلمانی در نواحی جنوب غرب افغانستان تحقیقات لازم جیولوژیکی را به پیش برداشت و به معاونت عکس‌های فضایی تمامی قسمتهای جنوب را به مقیاس (۱ : ۱۰۰۰۰۰) نقشه برداشت نمودند . در سال ۱۹۶۳ ریاست تفحص مواد مفیده جامد - که بعداً در سال ۱۹۶۵ به ریاست جیولوژی و معادن تغییر نام یافت - تأسیس گردید .

همزمان با این رخداد به همکاری جیولوژستان اتحاد شوروی سابق تفحص و محاسبه ذخایر زغال سنگ ، سنگ معدنی آهن ، طلا و لاچورد شروع گردید ، که در نتیجه همین فعالیتها بزرگترین معدن آهن حاجیک در شمال غرب کابل حوزه بزرگ زغال سنگ ، که از پلخمری در شمال غرب تا نزدیک شهر هرات ادامه دارد کشف شد . ذخیره پریلیوم و باریت محاسبه شد ، معدن طلا وغیره مواد مفیده قیمتی کشف گردید . از ۱۹۵۶ م کارهای جیولوژیکی وسیع و خیلی مهم پیرامون تفحص سرب ، جست ، مس ، طلا ، باریت ، ابرک ، سلفر ، فاسفوریتها ، کیناور ، زغال سنگ ، آبهای معدنی ، نمک و مواد ساختمانی صورت گرفت .

در سال ۱۹۷۳ ارزیابی مجلد معدن بزرگ ارگونیت در انتهای جنوب غربی کشور به عمل آمد و معدن باریت در

قسمت شمال شهر هرات کشف و مورد اکتشاف قرار گرفت .
ترتیب نقشه جیولوژیکی افغانستان به مقیاس (۱ : ۵۰۰۰۰)
برای تمام قلمرو کشور و همچنان نقشه تکتونیکی به مقیاس
(۱ : ۱۰۰۰۰) غاینگر مطالعات خوب جیولوژیکی
افغانستان میباشد .

از سال ۱۳۷۶ به بعد آثاری به وجود آمدند که تمام
تحقیقات قبلی و انجام شده را تعیین داده جمع بندی نمود . در
سال ۱۹۷۶ کتاب و . ۱ . سلاوین به نام « تکتونیک
افغانستان » چاپ گردید . در سال ۱۹۸۰ کتابی به نام
« جیولوژی افغانستان » توسط والفرد و ویتیکند چاپ و نشر
شد . همچنان نشریه محققین اتحاد شوروی سابق به نام
« جیولوژی و مواد مفیده معدنی افغانستان » در دو جلد مورد
استفاده جیولوژستان قرار گرفت .

نقشه جیولوژیکی افغانستان :

ساختمان و عوارض طبیعی کشور ما در اثر فعالیتهای
دوامدار جیولوژیکی که از دوره پریکامبرین (Pre-
cambriene) شروع و تا حال ادامه دارد به وجود آمده
است . پیش از دوره پریکامبرین سرتاسر کشور را
اوقيانوسی به نام تیتوس (Thytuse) فرا گرفته بود .
از آن زمان تا حال دوره های مختلف جیولوژیکی که هر کدام
از خود خصوصیتها و مشخصات علیحده و جداگانه دارد یکی

بعد از دگری به میان آمده است. آثار ویقایای این دوره‌های مختلف جیولوژی در سرتاسر کشور به اندازه کم وزیاد وجود دارد. نقشه جیولوژیکی که به مقیاس (۱:۵۰۰۰۰) ترتیب گردیده نشان میدهد، که در ساحه افغانستان قام ترسیمات سیستمهای معلوم به سطح زمین ظاهر گردیده است.

ترسبات ارخین - پروتوزویلک :

در قسمت شرقی افغانستان، در هندوکش شرقی، هر ولایات بدخشان و نورستان گسترش زیاد دارند. ترسیمات مذکور تنها از احجار متحوله، شبستهای (سلاسها) کرستالی و گنایسهای ترکیب یافته است. علاوه بر آن احجار متذکره از غرب کابل به امتداد سلسله کوه پارا پامیز ادامه دارند. در بین احجار پروتوزویلک مقدار زیاد احجار مکماتیکی، انتروزینهای گرانیتی وجود دارند.

ترسبات پالیزویلک :

ترسبات گروپ پالیزویلک نیز در سلسله کوههای هندوکش و پارا پامیز توسعه زیاد داشته، در قسمت شرقی کشور سلسله کوههای واخان کاملاً از ترسیمات مذکور ترکیب یافته از بدخشان، بغلان و ولایت کابل به طرف غرب به امتداد سلسله کوههای سفیدلا کوه وسیاه کوه الى هرات گسترش پیدا نموده، نوار جنوبی ترسیمات مذکور از کابل تا



مجرای فوقانی معاونین چپ دریای هلمتند ادامه پیدا کرده است .

ترسبات کمربن :

این گونه ترسبات در بدخشان به مشاهده میرسد که از سنگهای چونه ، دولومیتها و سنگهای رسکی ترکیب یافته است . در مناطق دگر این ترسبات به مشکل از ترسبات پروتوروژویک جدا میشوند .

ترسبات اوردویک در بدخشان مشتمل بر سنگهای رسکی با فوسلیها برآخیو بودا میباشد .

ترسبات سیلورین :

در بدخشان ، حوزه دریای لوگر و قسمت شرقی شهر جلال آباد توسعه زیاد داشته و متشکل است از : سنگهای چونه ، سنگهای رسکی دارای فوسلی کرینوتیدی (نیلوفر بحری) وارتونیتیوسها (اشکال باز شده پا در سران و برآخیو بودها) .

ترسبات دیونین :

در جاهایی که ترسبات سیلورین به نظر میرسد توسعه داشته در منطقه کابل به صورت عموم متشکل از سنگهای چونه میباشد . در بین احجار مذکور فوسلی برآخیو بودها ،

کربناتیدها به نظر میرسند . به طرف شرق هرات در سلسله کوه سفید کوه بین طبقات دیون احجاری دیده میشوند که احتمالاً با فعالیت آتش فشانها ارتباط داشته اند .

ترسبات کارین :

در بدخشان ، جنوب غرب کابل ، حوزه دریای هلمند همچنان در شرق هرات متشکل از سنگهای ریگی ، سلاسنهای گلی در قسمت تحتانی و سنگ چونه در قسمت فوقانی میباشد .

در جناح شمالی سلسله کوه فرنز ، نواحی شرقی هرات در بدخشان ، در قسمت تحتانی ترسبات کارین احجار آتش فشانی و بعضی طبقات زغال سنگ به مشاهده میرسند .

ترسبات پیرمین :

این گونه ترسبات توسعه زیاد داشته . در منطقه کابل و حوزه دریای لوگر متشکل اند از طبقه متجانس سنگ چونه و در حوزه دریای هریود در بین احجار سنگ چونه کانگلو میراتهای سرخ ، سبز ، خاکستری رنگ ، سنگهای ریگی و سلاسنهای گلی موجود اند . ضخامت عمومی ترسبات پالیزویک افغانستان زیادتر از ده هزار متر است .

ترسبات میزوزویک :

این نوع ترسبات بیشتر از همه در شمال افغانستان در

جناح شمالی سلسله کوههای هندوکش ، ترکستان افغانی ، پارا پامیز و همچنان در قسمت غربی افغانستان خصوصاً در حوزه دریای فراه رود اکشاف زیاد نموده است .

ترسبات تریاسیک :

در بدخشان ، قطمن ، جناح شمالی سلسله کوه تیر بند ترکستان ، منطقه کابل ، شرق هرات ، مجرای فوقاری دریای لوگر توسعه دارند . ترکیب ترسبات تریاسیک خیلی متنوع بوده ، در بدخشان متشكل از طبقات ضخیم سنگ رسکی ، سلاسنهای گلی و کانگلیو میراثها میباشد . در منطقه کابل و شمال کندھار کاملاً از احجار کار بناتی از قبیل سنگ چونه و دولومیتها تشکیل یافته است .

ترسبات جورا اسیک :

در جناحهای شمالی هندوکش ، ولایت بغلان ، شمال ، کندھار ، جناح پارا پامیز غربی گسترش دارند . ترسبات مذکور در شمال کشور مشتمل از تناب سنگهای رسکی و سلاسنهای گلی بوده که در بین آنها عدسهیه ها و طبقات زغال سنگ وجود دارند که فعلاً استخراج میگردد . در قسمت فوقاری مقطع سنگ چونه به نظر میرسد . با ظهور طبقه زنگ کارنگ نیج ، انهای براید و نک طعام ، مقطع به پایان میرسد .

ترسبات تباشیر :

در افغانستان گسترش فوق العاده زیاد داشته شمال

سلسله کوه تیریند ترکستان ، مجرای فوچانی دریای مرغاب ، سرپل ، بند بابا از ترسبات مذکور ترکیب یافته اند .

در جنوب کشور تقریباً قامی ساحه هزارهنجات ، ساحه بین دریاهای هلمند و هروزود را پوشانیده اند . در قسمت تختانی مقطع تباشیر زیادتر کانگلو میراتها ، سنگهای ریگی کل و فلیش و بعضی احجار آتش نشانی و در قسمت فوچانی آن سنگهای چونه ، میرگل و گلسن به نظر میرسند . در قسمت شمال شرق هرات بعضی احجار رنگارنگ که گنج باخود دارند به مشاهده میرسد .

ترسبات سنیوزویک :

عمدتاً در انتهای کشور توسعه زیاد دارند . در شمال در دامنه سلسله کوههای تیریند ترکستان و کوه بابا به طرف غرب از نواحی غرب شاهراه هرات - کندهار به طرف جنوب شرق دشت مارگو ، ریگستان ، دشت اربو ، در قسمت جنوب شرقی در جناحهای شمالی کوه سلیمان مشاهده میگردند .

ترسبات پالیوجن :

در شمال افغانستان مشتمل از میرگل ، گلسن ، سنگهای چونه صلفی میباشند . در بعضی جاهها احجار آتش

فشنی از قبیل اندیزیت ، بزالت و توف ، همچنان در قسمتهای مرکزی و غربی افغانستان احجار آتش فشنی این دوره به نام فلیش یاد میشوند دارای تناوب ریگ و گل رس بوده . در حصه فوچانی طبقه تریجنس زغال سنگ نصواری و نگک به نظر میرسد .

ترسبات نیوجن :

در شمال دارای ضخامت زیاد بوده ، عبارت اند از : کانگلو میراتها ، سنگ ریگی و گل رس . در صفحات غربی کشور تجمعات مخصوص این دوره مشتمل از سنگهای ریگی سرخ رنگ و احجار اینوزنی اند . در منطقه کابل ، بامیان په جلال آباد طبقات ضخیم رنگ کانگلو میراتها سنگهای ریگی کل که بعضی اوقات با خود ورقهای کج نیز دارند که سطح زمین بر هنر میگردند .

ترسبات انتروپوچن :

به شکل پوش ضخیم ، فرو رفته گیهای پیشروی و بین کوهها را پرمینهایند . این ترسبات در صفحات شمال کشور در ساحل چپ دریای آمو ، به طرف جنوب شرق در فرو رفته - گی بین گردیز ، غزنی و کندهار وادیهای دریای تونک و قسمت معجرایی محاذی دریای هریرود گسترش زیاد دارند . ترسبات دوره انتروپوچن در نواحی بیابانهای غربی و جنوی انکشاف

زیاد دارند . در این جا جوانترین ترسیبات آتش فشانهای افغانستان به ملاحظه میرسند که مخروطهای کوههای آتش فشانها تا به حال باقی مانده اند . مثلاً آتش فشانهای خانشین ، کوه اربو ، آتش فشانهای نواحی شهر غزنی .

ترسیبات معاصر متشكل از کانگلو میراتهای نرم ، سنگهای ریکی تشکیلات الوی ، مخروطهای مواد دریاهای کوهستانی اند . در کوههای هندوکش ترسیبات یغچالی (مورین) و همچنان تجمعات ناشی از عملیات جاذبه بین به مشاهده میرسند . در ریلفهای پست خصوصاً در شمال کشور ترسیبات بادی گسترش زیاد دارند .

احجار انتروزیفی (عمقی) افغانستان :

این احجار گسترش وسیع داشته ، فوق العاده متنوع میباشند . در بعضی جاهها احجار رسوبی که قبل احجار انتروزیفی را پوشانیده بود در معرض شستشو قرار گرفته و احجار مذکور در سطح زمین پرهنگ شدند . (۹۵٪) احجار انتروزیفی به قسمی یک نوار عریض به استقامت شمال شرق به امتداد حوزه دریاهای ارغنداب ، هلمند ادامه داشته از طریق نورستان و بدخشان به پامبی جنوی و مرکزی ختم میگردد . خارج از نوار مذکور انتروزیفهایی به ظهور میرسد که به امتداد دره دریای هیرود موقعیت حاصل نموده اند . در افغانستان با تولیتهای بزرگ چون با تولیت مقر ، کندهار

سالنگ ، خنجان به مشاهده می‌رسد . با تولیت‌های مقرب و کندھار دارای طول (۳۰۰) کیلومتر ، با تولیت سالنگ با طول زیاده از (۱۵۰) کیلومتر و عرض بیشتر از (۵۰) کیلومتر ، با تولیت خنجان با طول (۱۸۰) کیلومتر و عرض (۲۰) کیلومتر می‌باشد.

قریباً تمامی انتروزیفها در افغانستان موازی به امتداد احجار یعنی به سمت شمال شرق و یا عرض البلدی توجیه گردیده‌اند . اکثریت اجسام انتروزیفی ترکیب تیزابی (گرانیت) دارا بوده ، کتله‌های آنها به معرض فرسایش شدید قرار گرفته ، در سطح زمین اشکال گونه گون و عجیبی مشابه پرجها ، کره‌ها و یعنی حیوانات را به وجود می‌آورند . زمان به وجود آمدن انتروزیفها در افغانستان یکسان نبوده عده آنها در شمال بدخشان ، نورستان ، افغانستان مرکزی در وقت ماقبل کمبری به وجود آمده‌اند . تعداد زیاد انتروزیفها در حوزه دریای هریرود و قسمت شمال غرب موار اساسی (در بدخشان) در اخیر پالیوزویک برقرار گردیده اند . انتروزیفهای حوزه هلمند ، ارغنداب و نورستان در میزوزویک و پالیوجن واکثر انتروزیفهای ماورای قلوعی خبلی جوان بوده ، دارای عمر تباشير و یا سینوزویک می‌باشد .

انتروزیفهای افغانستان دارای اهمیت عملی فرق العاده زیاد بوده قدمترين آنها که در شمال افغانستان موقعیت دارد باعث تشکیل معدن لاجورد گردیده است :

انتروزیف بزرگ گرانیتی پالوزویک باعث تشکیل معادن سرب ، جست وباریت در افغانستان مرکزی و طلا در بدخشان گردیده است . معادن عناصر نادره از قبیل بریلیم ، لیتیم ، ابرک وغیره به گرانیتهاي میزوژیک در نورستان ارتباط میگيرند . تعداد زیاد معادن در مناطق که گرانیتهاي پالوزویک بعدی و میزوژویک گسترش دارند به مشاهده رسیده که از آنجمله میتوان از معدن بزرگ آهن حاجیگک نام برد . همچنان معادن سرب ، جست وغیره در پارا پامیز از نظر دور نخواهند ماند . معادن طلا (در نزدیکی مقر) سرب ، جست ، قلعی در نزدیکی کندهار و قلعی ، مس ، فلزات چند در غرب کشور با انتروزیفهای مکمای متوسط تباشير پالیوجن مربوط اند . معادن آهن و کروم دار (کرومیتها) سنگ رشه ، تالک ، مگنیزیت با انتروزیفهای ماورای قلوی مربوط اند . در مجتمع احجار مکماتیکی افغانستان از جمله مواد خوب ساختمانی محسوب میشوند .

احجار متحوله افغانستان :

این نوع احجار در کشور ما گسترش وسیع داشته ، به صورت عموم در قسمتهای شرقی و مرکزی کشور به سطح زمین ظاهر گردیده است . در افغانستان تمام انواع احجار منشاً متحوله موجود بوده ، که عمدتاً احجار متحوله منطقه - بی ، تماس و هایدرو ترمالی گسترش دارند . احجار متحوله

منطقه بی با عمر پرتوزوفیک و ادخی قسمت عمدۀ کتلۀ های وسطی نورستان و شهرستان را تشکیل میدهد . احجار متحوله پروتوفیک و یا پالیزویک در ساحه هر سنید (زونه پارا پامیز) کبیرید (زونهای سفید خرس و جلال آباد) والپ قبلی (زونهای کابل و ارغنداب) انکشاف زیاد دارند . احجار تحول یافته منطقه بی متشکل از کنایسها ، سلاتسهای ابرکی ، کوارتزیتها ، برمرها و امفیبولیتها اند . دو کتلۀ نورستان مکماتیتها به مشاهده رسیده ، در این جا به صورت عموم فاسیسهای میزو زون (سلیمانیت فاسیس فرعی گرانات) توسعه زیاد نموده اند . این نوع احجار متحوله در منطقه کابل نیز به نظر میرسند . احجار جوانتر پالیزویک و قسم‌آتریاس در کتلۀ نورستان ، زونهای بدخشان و ارغنداب مشتمل از فیلیت‌های سیاه رنگ ، سلاتسهای سیز رنگ فلوریت و سرستنی مرموها ، کوارتزیتها بوده ، منوط به احجار این زون فاسیس سلاتسهای سیز رنگ میباشد .

در افغانستان با احجار متحوله تعداد زیاد معادن مواد مفیده ارتباط داشته از این سبب از نگاه عملی احجار مذکور اهمیت به سزاوی دارند . در بدخشان در بین احجار متحوله معدن مشهور لا جورد موسوم به « سر سنگ » موقعیت حاصل نموده است .. همچنان در نورستان در طبقات احجار متحوله قبل از کمبرین کرستالها بریلیوم یافت شده اند . در سلسه کوه سپین غرب به طرف جنوب غرب شهر جلال آباد معدن

تالک به مشاهده رسیده ، در زون پالامیز به طرف جنوب بامیان درین احجار متحوله پالیزویک بزرگترین معدن آمن کشور موقعیت دارد . تشکیل این معدن به عقیده اکثر جیولوژستان مریوط پروسه های تحول و میتاسماتوز است . معدن مرمر نیز بسیار دلچسب بوده که دارای تنوع مختلف با رنگهای سفید ، گلابی ، سبز ، خاکستری ، نصواری وغیره اشکال قشنگ بوده ، خوب صیقل میگردد . در بین احجار متحوله گرافیت ، ابرکها و عنصر نادره نیز به مشاهده میرسد .

آتش فشانهای افغانستان :

چون ساده افغانستان شامل کمریند زلزله خیز مدیترانه و اندونیزیا میباشد ، لهذا باید انتظار ظهور آتش فشانها را نیز داشته باشیم . تعداد آتش فشانها در افغانستان زیاد بوده ، اضافه از (۵۰) مخروطهای آتش فشانی در قسمتهای مرکزی و جنوب غربی کشور وجود دارند . معلومات پیرامون فوران این آتش فشانها در دوره های تاریخ موجود نیست . لیکن معلومات جیولوژیکی نشان میدهد که فوران تنها در گذشته نزدیک یعنی در دوره چهارمین (کوارترنی) نیم تا دو میلیون سال قبل به وقوع پیوسته است که بدین ترتیب انسانهای بدی امیتوانستند منظره عظیم فوران را مشاهده کنند . نهین اساس آتش فشانهای افغانستان را باید به آتش فشانهای خاموش نسبت داد . ولی در قسمتهای

مرکزی کشور میتوان این آتش فشانها را در مرحله خوابیده نسبت داد.

گروپ اساسی آتش فشانها در قسمت غربی شهر غزنی در منطقه دشت ناور موقعیت دارند. در اینجا ساحده بزرگ (زیاده از چهار کیلومتر مربع) توسط مخروطهای آتش فشانها جریانات لاوايی تجمعات پیرو کلاستها اشغال گردیده است.

ب . بوردی محقق فرانسوی به این نظر است که آتش فشانهای گروپ دشت ناور مواد آتش فشانی زیاده از صد کیلومتر مکعب را خارج نموده اند . این آتش فشانها به امتداد شکسته گی بزرگ قشر زمین موقعیت دارند که به استقامت شمال غرب به طول (۳۰۰) کیلومتر ادامه پیدا کرده است .

در منطقه پسابند مخروطهای این آتش فشانها به خوبی حفظ گردیده ، چندین دهانه های قدیمی قدری تخریب شده با جریان لاوايی آندیزیتی به مشاهده میرسد . گمان میرود که این آتش فشانها از جمله جوانترین آتش فشانها در افغانستان باشد . گروه بزرگ دکری از آتش فشانها در قسمت جنوب غربی افغانستان در مأورای دشت ریگستان در دامنه سلسله کوه چگایی موقعیت دارند . این آتش فشانهای مخروطی شکل ، یک سلسله کامل را به طول (۴۰۰) کیلومتر به استقامت جنوب غرب و بعداً به طول (۳۰۰)

کیلومتر خارج از مرز افغانستان تشکیل نموده اند . ارتفاع ساختمانهای آتش فشانی (۳۵۰ - ۴۰۰) متر بوده ، مرتفعترین آتش فشان موسوم به ملک دکان (۸۰۰) متر ارتفاع دارد . دلچسپ ترین آتش فشان جنوب غرب افغانستان آتش فشان خانشین است به طرف ساحل چپ دریای هلمند درین بیابان هموار دفعتاً کوه بزرگ به ارتفاع (۷۵۰) متر ظاهر میگردد . کوه مذکور شکل بیضوی منظم داشته قطر اساسی آن (۶ - ۷) کیلومتر و جناحهای آن ناهموار است . کاربروناتیتها از مواد مفیده متعدد منجمله مواد رادیواکتیف غنی گردیده که از جمله مواد مفیده گرانبها محسوب میشود . از دیاد مقدار فاسفات تا سه فیصد نیز در این احجار قابل توجه است .

در نتیجه گفته میتوانیم که پروسه آتش فشانی در شروع انתרوپوجین شدیداً به وقوع پیوسته که بعدها متوقف گردیده است . در اینجا سوال ایجاد میگردد که ایا فوران دوباره این آتش فشانها آغاز خواهد شد یا خیر ؟

فصل دوم

معدن مواد مفیده افغانستان

ارزیابیها و معلومات ساخته بی چندین ساله که جمع آوری گردیده نشان میدهد که افغانستان با وصف مساحت کوچک از حیث منابع زیرزمینی بسیار غنی است . مواد مفیده بی که تا هنوز در کشور ما پدیدار گردیده اند میتوان آن را قرار ذیل مطالعه کرد :

- ۱ - معدن مواد مفیده محترقه : این نوع مواد مفیده عبارت از نفت ، گاز طبیعی ، تورف (زغال سنگ نارس) ، زغال سنگ و سلاستهای محترقه میباشند .
- ۲ - معدن مواد مفیده فلزی : این نوع مواد مفیده عبارت اند از : آهن ، منگانیز ، کرومین ، مس ، سرب ،

جست ، المونیم ، مولبدین ، ولفرام قلعی ، بیسموت ، ارسنک سرمه ، سیماب ؛ عناصر نادره و پراگنده : از قبیل بریلیوم ، لیتیم ، سیزیوم ، روپیدیم ، تانتالیم ، نیوبی ، کادمیوم ، اورانیوم ، تورانیوم ؛ فلزات نجیبه : از قبیل طلا ، نقره وغیره میباشد.

۳ - معادن مواد مفیده غیرفلزی : سلفر ، باریت ، فلورایت ، سلسنیم ، فاسفوریت ، اپاتیت ، سنگ ریشه ، ابرک ، تالک ، مکنیزیت ، گرافیت ، کج ، نمک وغیره . سنگهای قیمتی و تزیینی : از قبیل لعل ، زمرد ، یاقوت ، کوتسیت ، لاجورد ، سربانین وغیره .

مواد نوری « اپتیکی » : از قبیل بلور کوهی ، اشپات اسلاندی ؛ مواد ساختمانی : از قبیل سنگ مرمر ، سنگ رخام ، کج ، گلها و آبهای منزالی و آبهای گرم به مشاهده رسیده است.

با وجودی که معادن بزرگ و متنوع در کشور ما وجود دارند عملیه استخراج آن تا هنوز نهایت کم است . زیرا که تعدادی از معادن تا به حال کشف نکردیده و ذخایر آنها ثبت نشده است . عده دگری از آنها در نقاطی موقعیت دارند که دستیابی به آنها مشکل است و بخش سوم از معادن یا دارای ذخایر کم است و یا کیفیت مواد خام آن عالی نمیباشد . معادن مواد مفیده بیی که تا هنوز معلوم گردیده در آن چنین یک قانونمندی را مشاهده کرده میتوانیم :

معدن گاز محترقه و نفت در جناح شمالی سلسله کوه
تیربند ترکستان و در قسمت شمال کشور واقع میباشند.

معدن زغال سنگ : در جناح شمالی هندوکش و در
امتداد پارا پامیز مشاهده میشوند.

معدن آهن اساساً به شمال شرق و مرکز افغانستان، به
سلسله کوههای هندوکش و سلسله کوه بابا ارتباط دارد.

معدن سرب، مس و طلا همچنان در نواحی شمال غرب
در سلسله کوههای هندوکش مشاهده گردیده که بعداً خط
انتشار آنها به دو شاخه تقسیم میگردد: شاخه اول به طرف
غرب به امتداد سلسله کوه پارا پامیز و شاخه دگر به طرف
جنوب غرب بین دریاهای هلمند و ارغنداب ادامه دارد.

سنگهای نادره، قیمتی و نیمه قیمتی (بریلیوم، لاجورد
ارگونیت) در شرق کشور در پدخشان و نورستان معمولاً در
نواحی صعب العبور به مشاهده میرسند.

معدن سلفر و نیک همچنان معدن نفت به شمال
افغانستان تعلق دارند.

این قانونندی موقعیت معدن تصادفی نبوده، بلکه
مریبوط به ساختمان جیولوجي و نوعیت احجار نزدیک سطح
زمین میباشد.

۱ - معدن مواد منیده، محترقه:

منابع زغال سنگ: معدن زغال سنگ افغانستان

عموماً در ترسیبات جورا سیک به وجود آمده اند . نواحی عمدۀ آن عبارت از منطقه کرکر ، اشپشتۀ ، دره صوف و منطقه کرخ هرات میباشد . در افغانستان در حدود صد میلیون تن زغال ثبیت شده ، درجه اعلی دارد و احتمال پنۀ ۴ میلیون تن دگر نیز موجود است .

در صفحات شمال از بدخشان تا هرات در حدود ۹ ذخیره بزرگ زغال و ۳۶ منبع قسماً بهره برداری شده ، ثبیت گردیده است .

بهره برداری از زغال سنگ قدیمی ترین صنعت عصری است که برای تهیه مواد سوخت در افغانستان مورد استفاده قرار میگیرد .

این صنعت در حدود ۶۰ سال پیش آغاز شده است . در ۱۹۵۴ م در حدود ۱۷ هزار تن زغال سنگ تولید شد . در ۱۹۶۵ م این مقدار به ۸۰ هزار تن رسید . از ۱۹۶۵ م به این طرف تولید به طور قابل ملاحظه کاهش یافت . قبل از زغال سنگ افغانستان در دستگاه تولید سمنت ، صنایع نساجی ، شرکت پنبه ، دستگاه تولید بوره و سیلوی کابل و خاکه آن برای تسبیخ مورد استفاده قرار میگرفت .

معدن عمدۀ زغال سنگ افغانستان :

۱ - معدن کرکر : این معدن از شهر پلخمری (۱۵)

کیلومتر فاصله دارد که به سمت جنوب شرق این شهر متصل

کوه کرکر واقع است . رنگ زغال سنگ آن خاکستری و سیاه میباشد . برای کوک سازی مفید است . زغال سنگی که در سالهای گذشته استخراج میگردید در فابریکه های پلخمری ، قند سازی بغلان و سمنت سازی جبل السراج ، داشها و در دگر عرصه ها به مصرف میرسید . در سال ۱۳۴۷ ش مقدار استحصال از این معدن به (۷۶۷۴۳) تن میرسید . ذخیره عمومی آن ۱۲ میلیون تن تخمین شده است .

۲ - معدن دره صوف : این معدن در (۱۶۰)

کیلومتری جنوب مزارشریف واقع است . زغال سنگ این معدن از دو منطقه (تور ، شاباشک) که هر دوی آن در دره صوف واقع اند ، به دست میآید . ذخیره عمومی این دو منطقه به ۷۵ میلیون تن بالغ گردیده است که بزرگترین ذخیره زغال سنگ کشور به شمار میرود . کیفیت و جنسیت این زغال نسبت به معادن زغال سنگ دگر کشور ، عالی و خوب میباشد و آینده خوبی پیشرو خواهد داشت . از این معدن طوری که لازم است تا به حال استفاده نشده . در سابق یک مقدار کمی زغال این معدن به کابل آورده میشد و متباقی آن به ولایت بلخ انتقال مینگردد .

۳ - معدن اشپیشه : این معدن در (۱۱) کیلومتری

جنوب شهر پلخمری موقعیت دارد . ضخامت طبقه زغال سنگی در این معدن از یک تا ده متر میرسد . نوعیت آن خاکه ورنگ آن سیاه میباشد . در گذشته ها از زغال سنگ این

معدن دواپر دولتی ، مؤسسات ملی ، شفاخانه ها و اهالی شهر کابل استفاده نمودند . ذخیره مجموعی زغال سنگ این معدن در سال ۱۹۴۲ م توسط متخصصین انگلیسی ۱۱ میلیون تن تخمین شده است .

۴ - معدن کرخ هرات : این معدن در ۱۱ کیلومتری شرق هرات در زیر کوتل سبزک موقعیت دارد . جنسیت زغال این معدن عالی است و در دوره جوراسیک به وجود آمده است . اندازه و مقدار تولید زغال سنگ این معدن در سال ۱۳۴۷ به ۱۴۰۰ تن تخمین شده بود . در گذشته ها شاروالی و فرقه هرات از آن استفاده نمیکردند .

علاوه از معادن فوق الذکر معادن دگری نیز وجود دارند که تا حال مورد استفاده قرار نگرفته است . مانند معدن بنگی که در جنوب شهر خان آباد واقع است .

منابع نفت و گاز در افغانستان :

بعد از زغال سنگ ، نفت و گاز بزرگترین منبع مواد سوخت به حساب میآید و از چندین لحاظ از زغال سنگ برتری دارد . اهمیت منابع نفتی و گازی در پیشبرد صنایع سنگین و سبک کشور فوق العاده مهم و اساسی است و به سرعت زیاد کشور را به سوی صنعتی شدن سوق میدهد .

موضوع بررسی و تفاصیلات جیولوژیکی نفت و گاز در کشور از سال ۱۳۱۰ ش آغاز یافت و تا سال ۱۳۳۴ دوام

کرد . در نتیجه، تفاهمات چندین ساله چنین وافود شد که ساحه، شمال افغانستان برای پیدایش نفت و گاز مساعد میباشد . قبل از این که قرارداد با اتحاد شوروی سابق امضا گردد متخصصین جیولوژی کمپنی امریکایی و سویدنی به بررسی پرداختند و امریکاییها ناحیه یتیم تاق را که به ده کیلومتری شرق شهر شیرغان واقع است ، تعیین کردند و سویدنیها به حفر چاهی در انگوت که نزدیک سرپل ولايت جوزجان است پرداختند ، ولی نتیجه، مشتب گرفته نتوانستند .

به تاریخ ۱ / ۳ / ۱۹۵۸ قرارداد بین افغانستان و اتحاد شوروی سابق به امضا رسید .

متخصصین تختواکسپورت اتحاد شوروی سابق به مطالعات عمیق جیولوژیکی پرداختند، این که منابع نفت و گاز به صورت دقیق ویقینی در ساحه، جیوسینکلاین شمال کشور یعنی قسمت مرکزی ، شرقی و غربی آن به خوبی واضح گردید . چاههای متعدد اکتشافی به عمق ۱۴۰۰ الى ۲۰۰۰ متر حفر شدند و در طبقه، جوراسیک موجودیت ذخایر نفت و گاز تثبیت گردیدند .

در پلان پنجماله، اول کشور مسایل جیولوژیکی و دریافت ذخایر نفت و گاز مؤقانه به انجام رسید . در پلان پنجماله، دوم ۸۱ چاه اکتشافی و ۶۲ چاه استخراجی به عمق ۶۰۰:و ۱۴۰۰ متر برمد شد . در نیمه، دوم پلان سال (۶۵ - ۱۹۶۶) استخراج مقدار ۱۷۵ هزار تن پیشینی شد ، که

در آن پترول ، تیل خاک ، دیزل ، مازو (تیل سیاه) و قیر شامل بود . در سال ۱۹۶۷ این مقدار به دو میلیارد مترمکعب بالا برده شد واز آن جمله ۵ ، ۱ میلیارد مترمکعب طبق قرارداد به اتحاد شوروی سابق صادر گردید . چاههای متعدد که برمه کاری شده ، نتیجه داده از همه مهمتر منطقه خواجه گوگردک (یتیم تاق) و خواجه برهان میباشد . طور تخمینی ذخایر مجموعی گاز کشور از (۹۰۰ تا ۱۱۰۰) میلیارد مترمکعب مبرسید . این اندازه در تحقیقات بعدی که صورت گرفته بیشتر گردیده است . در نتیجه تحقیقاتی که در سال ۱۳۵۴ ش صورت گرفته ذخیره جدید نفت در ساختمان آق دریا که در (۸ - ۱۰) کیلومتری جنوب شرق انگوت واقع است کشف گردید . به رویت معلومات ابتدایی ساختمان آق دریا ذخیره آن به مشابه ذخیره انگوت بوده که استفاده واستخراج از نفت این منطقه جهت تصفیه خانه مؤثر پیشیبینی شده بود .

نخستین سنگشی که از ذخیره آق دریا صورت گرفته این ذخیره در حدود (۲ ، ۶) میلیون تن نفت تخمین گردید و ذخیره جیالوجیکی انگوت به اندازه (۲ ، ۷) میلیون تن تثبیت شد . از معادن فوق الذکر امکان استخراج تقریباً (۴) میلیون تن نفت خام جهت تصفیه موجود است . هرگاه تصفیه نفت انگوت صورت میگرفت ضرورت داخلی مملکت را از نگاه تیل خاک به صورت اعظمی واژ نگاه پترول و دیزل قسماً

مرفوع میساخت واز قیر حاصله، آن برای اسفالت سرکهای داخل کشور و همچنان یک مقدار آن به خارج نیز صادر میگردید.

تفحص نفت و گاز در جنوب کشور :

در ساحه، جنوب در منطقه، کتواز جهت تفحص نفت و گاز قراردادی با کمپنی فرانسوی توtal عقد گردیده بود. طبق این قرارداد کمپنی مذکور باید در یک ساحه بیست هزار کیلومتر مربع در مرحله، اول امور تفحصاتی را انجام میداد. و تفحص در سه مرحله باید صورت میگرفت که مدت مجموعی تفحص هفت و نیم سال تعیین گردیده بود. به صورت عموم در قسمتهای جنوبی افغانستان کار نقشه های فوتو جیولوژیکی آماده شده بود که قرارداد آن فسخ گردید.

تفحص در نواحی غرب کشور :

تفحص نفت و گاز در سال ۱۳۴۵ ش در ولایت هرات نیز آغاز گردید که در نتیجه، تحقیقات گروههای جیولوژی و جیوفزیکی یک تعداد ساختمانهای نفت دار تعیین شده است. امور سروی جیالوجی ساحه، هرات به مقیاس یک بر یکصد هزار انداز یافته، مطالعات دقیق جیالوجیکی در سه منطقه آن تیرپل، بای محمد و غوریان صورت گرفته است.

۲ - معادن مواد مفیده فلزی : منابع و ذخایر آهن در افغانستان :

آهن مهمترین فلزی است که انسان توانسته است مورد استفاده قرار دهد . به طور متوسط مقدار آهنی که مورد استفاده قرار میگیرد پنجاه برابر بیشتر از میس میباشد که دومین فلز عمده و مفید به شمار میروند . مواد خام این فلز سنگهای آهن میباشد که نسبت به تمام منابع مواد خام فلزات زیادتر است . تقریباً و ذوب آهن نسبت به دگر فلزات زیاد است . این سنگهای آهنی در طبیعت به چهار قسم وجود دارند :

- ۱ - هماتیت ، یا سنگ سُرخ :
- ۲ - لیمونایت ، یا سنگ قهوه‌یی :
- ۳ - مکنه تایت ، یا سنگ سیاه :
- ۴ - سیده رایت ، یا سنگ زرد .

حجم کلیه آهنی که در جهان به مصرف میرسد به شکل فولاد میباشد . تحقیقات اکتشافی که در افغانستان به عمل آمده چنین ابراز نظر شده که در کشور ما بیش از ده ذخیره معدن آهن وجود دارد بزرگترین آنها عبارت اند از :

۱ - معدن حاجیگلک بامیان :

این معدن در جنوب بامیان واقع است ویکی از بزرگترین ذخایر معدنی افغانستان به شمار میروند . کارهای

اکتشافی و تحقیقاتی آن در سالهای (۴۳ - ۱۳۴۴ ش) خانه پذیرفت . اندازه و مقدار ذخایر معدن آن واضح شده است . مواد خام مورد ضرورت فولاد سازی نیز در نزدیکی آن وجود دارد ، مانند : سنگ چونه ، گلهای دیفر کتوری ، کونسایت و دولومیت .

پروژه ، اکتشافی و تحقیقاتی آهن معدن حاجیگک توسط متخصصین اتحاد شوروی سابق به پایه ، تکمیل رسیده ، درباره اندازه ، ذخایر و مقدار فیصدی آهن آن چنین واند کرده اند :

ذخایر آهن این معدن به (۱۰۹) میلیون تن بالغ میگردد و مقدار فیصدی آهن آن (۶۳) فیصد میباشد .

۲ - معدن حاجی علم :

این معدن در شمال کندهار واقع واژ شهر کندهار (۱۲۰) کیلومتر دور افتاده است که مریوط به ولسوالی خاکریز کندهار میشود . سنگ آهن آن از نوع مگنااتیت بوده ، بهترین جنس آهن محسوب میگردد .

۳ - معدن آهن قلعه اسد :

این معدن نیز به صد کیلومتری شمال کندهار واقع است . نوع آن مگنااتیت بوده ، سنگهای معدنی آن ۶۳٪ آهن دارد

۴ - معدن پگمان :

این معدن به طرف جنوب غرب یا غیر عمومی پگمان به فاصله، ۴ کیلومتر دورتر واقع است. طول رگ معدن مذکور به (۱۵۰) متر و ضخامت آن به دو متر و عمق آن ۷ متر بوده، مقدار فیصدی آهن آن ۴٪ میباشد.

۵ - معدن سیاه دره :

این معدن آهن در علاقه نیش خاکریز کندهار واقع است. طول رگ معدن مذکور (۳۰۰) متر و عرض دو متر و عمق آن الی (۱۵۰) متر میباشد.

۶ - معدن دره چنار :

این معدن در خاکریز کندهار بوده، از کندهار به فاصله (۱۲۰) کیلومتر دورتر واقع است. نوعیت آهن آن هم تایت است.

۷ - معدن جبل السراج :

این معدن به سمت شمال ارگ جبل السراج موقعیت دارد. مقدار فیصدی آهن آن ۴۵٪ بوده، عمق آن به (۵۰۰) متر میرسد. اندازه ذخیره آهن این منطقه را به (۸۰) میلیون تن تخمین زده اند.

۸ - معدن چیلان غوریند :

معدن مذکور به سمت چپ دره چیلان که به چهاردهی غوریند واقع بوده به فاصله هفت کیلومتری موقعیت گرفته است . نوعیت آهن آن از جنس هماتایت است .

۹ - معدن دره کران بدخشان :

این معدن به مقابل معدن لاجورد موقعیت دارد . ضخامت این معدن طور متوسط ده متر و طول آن (۲۰۰) متر بوده ، از نوع هماتایت میباشد . این معدن به طرف غرب کران در حصه بلندی کوه واقع است .

۱۰ - معدن ارغنیخ خواه بدخشان :

این معدن آهن به پنج کیلومتری شمال شرق بهارک بدخشان موقعیت دارد . آهن خالص آن به یکصد هزار تن میرسد .

۱۱ - معدن شفنان بدخشان :

این معدن به دو کیلومتری جنوب شرق قرچاستور شفنان بدخشان واقع است . طول این معدن یک کیلومتر و ضخامت آن به پنج متر میرسد .

علاوه بر معادن فوق الذکر ، معادن بابلغ قلات ، واگز غزنی ، اندراب ، دره های پنجشیر ، غوریند ، یکاوونگ ،

دله، کندهار، بعضی حصص هرات وغیره جاهای افغانستان
معدن آهن زیاد وجود دارد که تا حال اندازه و مقدار ذخایر
آهن آنها تثبیت نشده است.

مِس :

در جمله، معدن عمدۀ مِس افغانستان، میتوان از
معدن مِس عینک، دریند، کهنه خارمیدان، زمان کور،
پزگران و چنگلک پنجشیر و تخته پُل یاد کرد.

معدن مِس عینک :

شواهدی وجود دارد که ذخایر مِس عینک در ولایت شرقی
لوگر در جنوب کابل تقریباً ۴ هزار سال قبل مورد استفاده
قرار گرفته بود. تاریخ استفاده از مِس در افغانستان به
عصر برونز « مفرغ » برمیگردد. برخی از دانشمندان گفته
اند: احتمال دارد که برونز در آن جا کشف شده باشد. مِس
در سکه زنی، ساخت نیزه، درست کردن وسایل پخت و پز
و دگر آلات و افزار مورد استفاده قرار میگرفت. در یک نسخه
خطی چینایی که از قرن سوم یا چهارم میلادی مانده از مِس
عینک تذکر به عمل آمده است.

نتایجی که از امور اکتشافی قسمت مرکزی مِس عینک
نمودست آمده نشان میدهد که منزالهای خالکوپیریت، بورنیت
خلکوزینس، ملحيت و کوپریت از منزالهای عمدۀ محسوب

میگردد . طوری که تجهیه های کیمیاوی و سپکترال نشان داده است ، فیصدی مس در آن از (۵ ، ۰ - ۱) و حتی در بعضی جاهها تا دو فیصد میرسد . در قسمت غربی ساحه مس عینک منزالهای ملحيت ، کرپرت و مس خالص تشبيث شده است . امور برمۀ کاری و تحقیقات جیوفزیکی نشان میدهد که مواد معدنی مس دارای ضخامتهای مختلف و فیصدی متفاوت میباشد . امتداد مواد معدنی آن تا عمق ۳۵ الی ۵۰۰ متر میرسد .

به اساس نتایج حاصله امور اکتشافی ذخایر مس در ساحه مرکزی عینک به یک و نیم تا دو میلیون تن خواهد رسید . ذخایر مجموعی ساحت مخالف معدن مس غینک به یازده و نیم میلیون تن میرسد . این رقم با بزرگترین معدن جهان به نام بینگام قابل مقایسه است .

کرومین :

معدن خورد کرومین لوگر در جوار کابل قرار دارد ، که دارای ۱۸۰ هزار تن سنگ معدنی ۴۲ فیصدی است . اگر چه جیولوژیستهای جرمنی مقدار سنگ معدنی آن را یک و نیم تا دو برابر بیشتر از این گزارش نموده بودند و مدت طولانی مورد توجه فراوان قرار گرفته بود . این توجه عمدتاً به این دلیل بود که کرومین یک ماده مهم معدنی است که برای تولید فولاد درجه اول ضرور است . فولاد درجه اول علاوه از

دگر موارد استعماله برای اهداف نظامی نیز مورد استفاده قرار میگیرد.

معدن سرب و جست :

معدن فلزی سرب و جست در کشور ما تریاد بوده که معروفترین آنها عبارت اند ، از : معدن سرب در فرجبل غوریند ، معدن سرب و جست بی بی گوهر کندھار ، معدن سرب و جست دره نور ، معدن سرب و جست تولک و معدن سرب قزل لعل دایزینگی .

در سومین پلان پنجساله (۱۳۴۶ - ۱۳۵۰) تولید واستحصال سرب و جست چنین پیشبینی شده بود : در سال ۱۳۴۷ ش به مقدار ۶۰ تن ، در سال ۱۳۴۸ به ۷۵ تن و در سالهای ۴۹ و ۵۰ به مقدار ۷۵ ، تن که مجموعاً ۲۷ تن میشود ، در نظر گرفته شده بود .

بورانیم :

فلز بورانیوم از عناصر نادره و نهایت مهم ستراتیژیکی به شمار میرود ، که در ساختمان بیهای اتمی و هسته یی به کار میرود . ستیشنهای بزرگ اتمی که امروز در جهان جهت استحصال انرژی برق اعمار میگردد نیز از بورانیم استفاده مینماید . ظهور این فلز در جنوب غرب افغانستان در منطقه خانشین به مشاهده رسیده است .

در این ساحه کاریونیتها از مواد مفیده، متعدد منجمله از مواد رادیواکتیویتی غنی گردیده که از جمله مواد مفیده گرانبها محسوب میشود. از دیاد مقدار فاسفات تا ۳٪ فیصد نیز در این احجار قابل توجه است. کاریوناتیتها در ترکیب خود ۴۲٪ فیصد O₂ و از یک تا ۱۸٪ فیصد SiO₂ دارند. اکثر آن در اینجا لاوا دارای ترکیب قلوی به مشاهده رسیده است.

معدن طلا و نقره در افغانستان :

معدن طلا در کشور ما عبارت اند: از حصه تحتانی وسطی و فوقانی رود کوکچه که از آن طلا به واسطه ماشینهای (Drag - ۲۵۰) به دست آورده میشود. علاوه بر آن در منطقه دره چشمہ نورالله (در شمال شرق ولایت تخار)، در چشمہ خاکسار در چشمہ چل کان (صد کیلومتری غرب شهر فیض آباد دره اساسی دادونگ و کنار چپ دریای آمو)، در چشمہ یاویز (در سه کیلومتری دورتر از دره دادونگ واقع است) نیز طلا وجود دارد. منطقه طلای کوهی ریشاو (به ۸۰ کیلومتری فیض آباد) و طلای انتقالی ورسوی رود آمو نیز شهرت داشته که تا هنوز به صورت فنی و درست از آن استفاده نشده است.

از سال ۱۳۴۵ ش به این طرف علایم طلا در منطقه زرکشان کشف گردیده، در اثر تحقیقات ثابت شده که وجود

طلا در ساحه قلات و کندهار نیز میسر میباشد . چون مناطق زرکشان ، انگوری کرستو از نگاه موجودیت طلا طرف توجه بیشتر قرار گرفته بود به منظور ثبیت ذخایر آن تحقیقات بیشتر صورت گرفته و با مصرف مبلغ ۳ ، ۱ میلیون افغانی و ۷ هزار دالر از سال ۱۳۴۵ - ۹۳۵ ش مقدار صد کیلوگرام طلا استخراج شده است .

مختصرآ گفته میتوانیم که در ترسیبات دریایی مجرای دریاهای شمال شرق افغانستان و معاونین آنها که در بدخشان جریان دارند معادن پاشان طلا موجود است . طلا در این جا اکثراً به شکل دانه های نسبتاً بزرگ غیرمنظم یا ورقه یی به نظر میرسد . در ترسیبات دریایی دره های نورابه ، حصار ، راونگ (چهل کان شهر) کوکچه و معاونین آن و همچنان در مسیر دریایی پنج معادن طلا پاشان مشاهده و تحقیق شده است . طلای پاشان در جنوب افغانستان در ترسیبات دریایی دریایی زرکشان (منطقه مقر) ، معاونین دریایی ارغنداب و ترنک در نواحی شهر کندهار به ملاحظه رسیده است .

نقره :

مناطقی که در آن نقره وجود دارد ، عبارت اند از : منطقه پنجشیر و منطقه بی بی گوهر خاکریز کندهار ، در تقدیم به صورت غیرفنی وابتدایی از آن استفاده کرده اند ، ولی در این اوآخر از آن استفاده غیب شود .

۳ - معادن مواد مفیده غیرفلزی :

معدن تالک افغانستان :

از سنگهای معدنی تالک در تولید خشتهای موزائیک ، هولدرهای برقی ، فلتر پایپها ، پودر روی خانها ، پودر اطفال وغیره استفاده صورت میگیره . در افغانستان دو معدن بزرگ تالک در ولایت ننگرهار وجود دارد : یکی به نام معدن تالک اچین (مربوط ولسوالی شینوار) و دیگری تالک ماماخبل (مربوط ولسوالی خوگیانی) . در گذشته ها اهالی منطقه تالک را از معادن مذکور خودسرانه استخراج و توسط مرکبها وقاطرها به پاکستان انتقال میدادند . بعدها حکومات وقت آن را به تصرف خود درآوردند و گروههای جیولوجیکی را موقوف ساختند که امور اکتشافی آن را آنجام دهند .

در نتیجه ، امور تفحصاتی واکنشافی ساحه اچین مشورتهای تفحصی (۲۰۰۰ : ۱) به مساحت (۱ ، ۸ کیلومتر مربع انجام داده شد و همچنان نقشه ، جیولوجیکی معدن ترتیب گردید که در نتیجه آن امتداد رکهای مواد معدنی که دارای اهمیت صنعتی پنداشته شده ، به طول (۸۶۰) متر تعیین گردید . همچنان در اثر این تفحص پنج کتله ، نسبتاً بزرگ مگنیزیت به طول (۱۵۰ - ۸۰۰) متر و ضخامت (۲۰ - ۱۵) متر کشف گردیدند .

استخراج تالک در معدن اچین به صورت سطحی ممکن نبوده ، و به قسم فیروzmینی اجرا یافته . این معدن اموال اکتشافی

جهت رسیدن به زون تالک دار به مقدار سه هزار تن تالک نیز استخراج گردید . استخراج تالک در معدن ماماخیل به صورت سطحی ویرهنه بوده ، که توسط اهالی منطقه به صورت غیرفنی استحصال میشد و معدن را در معرض تخریب قرار داد .

بیرایت :

بیرایت در صنایع مورد استفاده زیاد قرار دارد . عموماً در امور برمه کاری چاههای نفت و گاز ، در صنایع رنگ سازی در تولید را بروگاز ، در ساختن پلاستیکهای سخت ، در مواد منفلقه ، شیشه سازی ، صابون سازی وغیره مورد استعمال دارد . معدن بزرگ بیرایت در کشور ما به نام معدن سنگلان در هرات واقع میباشد . از جمله معادنی به شمار میرود که استخراج آن جریان داشت . در سال (۱۳۵۴ هش) از معدن مذکور به اندازه (۵۲۰) تن بیرایت به دست آمده بود که مقدار پنج هزار تن آن در همان وقت از راه پندر تورغندی به اتحاد شوروی سابق صادر گردید . قیمت فیتن متریک بیرایت در آن زمان (۳۳) دالر امریکایی بود . در کشور ما از بیرایت تنها در امور برمه کاری چاههای نفت و گاز استفاده میشود .

معدن غله :

ذخایر منابع املاح و غلک طعام به دو صورت وجود دارد :

یکی به شکل معادن نمک کوهی یعنی سنگی بوده ، مانند معادن نمک تالقان ، کلفگان ، چال قزل ، شهرک هرات و دگری به شکل نمکساز مانند نمکساز هرات ، اندخوی ، خلُم و ملک دین خیل مقر وغیره . از سالهای قبل به این طرف از معادن تالقان ، کلفگان ، بلخ ، اندخوی و هرات نمک طعام استخراج گردیده که در آش دادن پوست ، روده و خوراکه حیوانات مورد استفاده قرار داشت ، ولی در صنایع تا هنوز از آن استفاده صورت نگرفته است .

در سال ۱۳۵۴ ش از معادن پنجگانه مذکور به مقدار (۶۰) هزار تن نمک استحصال شده بود .

معدن مواد ساختمانی :

معدن مواد ساختمانی از قبیل سنگ مرمر ، سنگ رُخام ، گچ ، گلها ، ریگ ، جفل وغیره با کیفیت وجنسیت بسیار خوب وجود دارند .

سنگ مرمر معادن افغانستان بسیار دلچسپ بوده ، دارای انواع مختلف با رنگهای سفید ، گلابی ، سبز ، خاکستری ، نصواری وغیره اشکال قشنگ به دست می‌آیند خوب تراش وصیقل می‌گردند . معادن سنگ مرمر در ولايات مختلف کشور همچو هلمیند ، کندھار ، پکتیا ، ننگرهار ، کابل وغیره به مشاهده میرسد . جهت استفاده از سنگ رُخام فابریکه های حجاری ونجاری در ولايات هلمند وکابل وجود

داشتند . آشیای خوب زینتی میساختند تولیدات خود را به کشورهای خارجی نیز صادر میکردند .
معدن گچ نیز در کشور ما زیاد بوده ، که میتوان از معدن گچ کندهار و ننگرهار نام برد . در سال ۱۳۵۴ هش هر یک به مبلغ ۸۲۰ و ۸۱۷ هزار افغانی به اجره داده شده بود .

از معدن عمه ، گل ، معدن گل سفید للندر و معدن گل سوشوی اوپازک لوگر حایز اهمیت زیاد میباشد !

سنگ رسنه :

نام علمی آن ازیست بوده ، عایق خوب حرارت و در شببات مختلف صنایع به کار بردہ میشود . معدن آن در چدران پکتیا و شفنان بدخشان به مشاهده میرسد .

ابرک :

ابرک به نام مایکا نیز یاد میشود . نظر به رنگ به دو گروه تقسیم میشود : سفید آن به نام مسکویت و سیاه آن به نام بیوتیت یاد میگردند . در گذشته ها از تخته های شفاف ماسکویت به شکل شیشه های امروزی برای روشنایی خانه ها استفاده میکردند . عایق خوب حرارت بوده ، در شببات مختلف صنایع به کار بردہ میشود . معدن ابرک در دره های انس ، رُخه ، پنجشیر ، تکانه ، میدان ، کران و منجان

بدخشان و پجه غان کاپیسا موقعیت دارند.

گرافیت :

در شعبات مختلف صنایع به کار برده میشود . در کشورما گرافیت منطقه بدخشان شهرت عالی دارد و امکان استفاده بزرگ از آن میسر است .

سنگهای قیمتی و تزئینی :

سنگهای قیمتی که به نام احجار کریمه نیز یاد میشوند شامل : الماس ، لاجورد ، لعل ، زمرد ، کونسیت ، امیتیست یاقوت ، فیروزه ، تورمالین ، بیبریل ، سنگ شاه مقصود وغیره میباشند . سنگهای قیمتی نظر به ارزش خود به درجه يك ، دو و سه تقسیم میشوند .

لاجورد :

از سنگهای قیمتی درجه يك بوده ، در زیان علمی به نام لازوریت یاد میشود . در افغانستان از زمانه های قدیم استفاده از لاجورد مروج بوده ، از آن نگین انگشتیها ، دستبندها و مهرها میساختند . همچنان لاجورد را ساییده واژ آن رنگ عالی صفت به نام اولترامارین (رنگ تیز کبود) به دست میآوردند واژ آن در حکاکی و نقاشی استفاده میکردند . در تصاویری که این رنگ به کار برده میشد . سالهای سال

خوب میدرخشید و کدام تغییری در آن روفا نمیگشت . با وجودی که لاجورد منزال شفاف نیست با رنگهای آسمانی ، نیلوفری وینفسی خود میتواند دلها را به تسخیر خود درآورد . درجه سختی لاجورد از ۵ تا ۶ ، ۵ بوده و به شکل کرستالهای مکعبی نیز دریافت میگردد ، ولی «اکثراً به شکل مخصوص یکنواختی زیع به مشاهده میرسد . در ترکیب کیمیاوی آن الومنیم سلیکاتهای نایتروجن - کلیست دار واکسیدهای سلفردار شامل میباشند .

در کشور ما معادن لاجورد غنوماً در ولايت بدخشان موقعیت دارند . مناطقی که در آن معادن لاجورد وجود دارند عبارت اند ، از : کران و منجان و حضرت سید (ولسوالی جرم) . همچنان یک منطقه نسبتاً وسیع لاجورد خیز در جنوب شرق ولايت بدخشان نیز وجود دارد مانند معادن لاجورد ریاط سرسنگ ، معدن لاجورد چملک و معدن لاجورد شوگه (مریوط دره پسگران) .

در قدیم لاجورد بدخشان توسط کاروانها به پاپلستان و هند انتقال داده میشد و در کشورهای شرقی ، یونان ، روم ، مصر خریداران زیادی داشتند . لاجوردي که در اهرامهای مصر به کار برده شده از جمله لاجورد افغانی بوده که در زمانه های قبل المیلاد از بدخشان برده شده است . همچنان لاجوردي که ذر آرایش کلیساي به نام اسحق در شهر سن پترز بورگ روسیه به کار برده شده نیاز لاجورد بدخشان

است.. ظروف نفیس لا جوردی که در موزیم معروف از میتاز آن شهر وجود دارند از لا جورد بدخشان ساخته شده اند.

سیاح مشهور ایتالوی به نام مارکوپولو که در دهه هفتاد قرن سیزده از راه افغانستان به چین سفر کرده بود ، در پهلوی لعل بدخشان از لا جورد بدخشان نیز یادآوری کرده است.

لا جورد بدخشان نظر به رنگ خود دارای رنگ کبود بلند آسمانی وی رنگ تقسیم میشود ، خصوصاً لا جورد نیله کون که در آن ذرات طلایی رنگ پیریت (سلفید آهن) به مشاهده رسیده آن را درخشش و جلای خوب میدهد و نظر به انواع دگری خود گرانبهای تر میباشد.

علاوه بر معادن لا جورد بدخشان معادن دگری از لا جورد نیز وجود دارند که عبارت اند ، از : معدن لا جورد غزنی و معدن لا جورد سترامن ، که به طرف غرب دره شاخ واقع است.

استخراج لا جورد در سومین پلان پنجساله (۱۳۴۶ - ۱۳۵۰ ش) ۴۸ تن در نظر گرفته شده بود . در سال ۱۳۵۴ به مقدار هشت تن و ۱۰.۸ کیلوگرام لا جورد از ساخه معدن سرسنگ بدخشان استخراج گردیده بود که از فروش آن (۱۵۱۳۸۵) دالر امریکایی به دست آمده بود . باید یادآور شد که لا جورد قیمت ثابت بین المللی ندارد .

لعل :

لعل یکی از سنگهای قیمتی درجه اول بوده ، دارای

رنگ سُرخ جلا دار میباشد . رنگ سُرخ وشفاف لعل از زمانه های قدیم مردم را گرویده خود ساخته بودند ، ازینرو جهان کشایان بزرگ همچو سکندر مقدونی قبل از میلاد از کشور ما لعل بدخشان را با خود پُرده بود .

در زمانه های قدیم لعل بدخشان به گشورهای مختلف انتقال میگردید و در آن جا زرگران هرای امیران و شاهان خود از آن انگشتها ، دستبندها ، تاجها وغیره اشیای زینتی میساختند . اولین معلومات مفصل که در باره لعل بدخشان به تحریر درآمده است معلومات عالم بزرگ ابوالیحان البیرونی میباشد . موصوف در کتاب مشهور خود « الجماهیر فی معرفت الجواهر » در یک باب خاص « اللعل البدخشنان » مینویسد : « لعل بدخشان در بین طبقات سنگهای سفید بلوری به حجمهای مختلف از یک چارمغز گرفته تا به اندازه یک خربوزه موقعیت داشت » .

مارکولوپولوسیاح مشهور ایتالی در یادداشت‌های خود نوشته است : « در بدخشان معدن لعل موجود بود که در آن مردمان خاص کندن کاری میگردند واز آن لعل به دست میآورند . مغاره های عمیق زیرزمینی حفر کرده بودند ولعل که استخراج میگردند آن را به شاهان خود میدادند . هیچکس حق نداشت که بدون امر شاه وبا امیر از این معدن لعل به دست آورد . هرگاه کسی بدون امر شاه به این کار دست میازد مطابق به فرمان شاهان محلی خود محکوم به

جزای مرگ میشد .

در جریان قرنهای ۹ الی ۱۳ نسبت تجاوزات خارجی و جنکهای داخلی استخراج لعل تقریباً با رکود مواجه شده بود . ازینرو مردمان محل تقریباً فن و هنر استخراج لعل را فراموش کرده بودند و مصروف شغلها بیش زراعت و مالداری شده بودند . از اوایل قرن چهارده استخراج لعل دوباره آغاز گردید و در سالهای هفتاد قرن ۱۹ به اوج خود رسید . معادن لعل در کشور ما در ولایت بدخشنان در مناطق اشکاشم ، اطراف بهارک و منطقه زردیو موقعیت دارند .

زمرد :

زمرد از جمله سنگهای قیمتی درجه يك بوده ، معدن بزرگ آن در کشور ما در ولسوالی پنجشیر موقعیت دارد . ساحه زمرد خیز از سرحد پنجشیر که پریان نام دارد شروع و تا مناطق نزدیک گلبهار میرسد . استخراج آن در مناطق سفید چهر خنج ، بزمیل ، دشت رویوت و مکنی ادامه دارد . نوعیت زمرد پنجشیر در جهان در سطح بلند قرار دارد . خصوصیات عمدی آن دارای مقاومت بلند ، رنگ خوب و در حالت تراش و صیقل شدن در سطح شکسته گی آن تغییرات دیده نمیشود و رنگ خود را تا آخر حفظ مینماید .

کونسیت :

از جمله سنگهای قیمتی بوده ، معدن آن در منطقه

کولام تورستان موقعیت دارد . در جریان امور اکتشافی
معدن ^{در سال} ۱۳۵۴ ش به مقدار یک هزار کیلوگرام کوئیست به
سورتهای مختلف از این معدن استخراج شده بود .

امتعیست :

از جمله سنکهای قیمتی بوده ، که به نام لعل پیازی
نیز شهرت دارد . معادن آن در منطقه خاکریز کندهار و در
ولادت لغمان موقعیت دارند .

یاقوت :

یاقوت از جمله سنکهای قیمتی درجه دوم ویا احجار
نیمه کریمه محسوب میشوند . به نام گرانات نیز یاد میشود
که معنی آن دانه های انار میباشد ، یاقوتی که تحت تأثیر
عوامل خارجی مانند اشعه ، آفتاب ، باد ، باران وغیره قرار
بگیرد به نام یاقوت سوخته یاد میشود . یاقوت سوخته اکثرا
در تخته سنکهای احجار متحوله به مشاهده میرسند .

در کشور ما معدن یاقوت در ولسوالی سروی در
منطقه جگلک و چپر میاخیل (میا رسول بابا) واقع است
که دارای انواع خوب یاقوت میباشد .

سنگ شاه مقصود :

دارای رنگ زرد در زیان علمی به نام سیز پنتین یاد

میشود . مردم عوام آن را به نام سنگ شاه مقصود یاد میکند ، دار کشور ما از سنگ شاه مقصود تسبیح و دگر آشیا ساخته میشود . سنگ شاه مقصود از جمله سنگهای قیمتی درجه دوم بوده ، معادن خوب آن در کشور ما در منطقه ماهیپر و حصارک غلچایی ولایت ننگرهار موقعیت دارد .

بیر یل و تورمالین :

از جمله سنگهای قیمتی به حساب میآید معادن خوب آن در رگهای پیغماتیت چه دره و دگر نواحی کثرا به مشاهده میرسد .

منابع آبهای زیر زمینی :

کشور ما از نگاه آبهای زیر زمینی فقیر بوده ، طبقات آبدار دارای مقدار کم آب است و این امر مربوط به شرایط نامساعد تغذیه آبهای زیر زمینی میباشد . کم مقدار بارندگی و شدیداً نامنظم بودن آن نظر به فصول سال ، تبخیر شدید آب روی زمین همه علل تشکیل ضعیف آبهای زیر زمینی است . جناحهای پر میلان کوههای با ارتفاع نسبتاً زیاد ، باعث جریان سریع آبهای سطحی میگردند . آبهای گرونتی « آبهای داخل خاک » و آب موسمی فوقانی عموماً در ریلیفها ییست در بین طبقات دوره کوارترنری (چهارمی) به مشاهده میرسد .

آبهای « بین طبقاتی » مربوط به طبقات ریگی بوده بیشتر در رسوبات میزوزویک و سینوزویک موقعیت دارند که در جنوب کوههای کتواز و در صفحات شمال کشور میتوان آن را ملاحظه کرد.

در افغانستان زیادتر از همه « آبهای درزی » توسعه دارند که در قسمت جنوب شرقی کشور در سلسله کوههای هندوکش و پارا پامیز به مشاهده میرسند. قسمت زیاد آبهای درزی از نوع آبهای ارتیزانی (فشاردار) بوده که از اعماق مناطق دارلی حرارت بلند به سطح زمین خارج گردیده شدیداً داغ میباشد.

این نوع آبهای گرم را میتوان در عرض راه معدن حاجیگلک و بامیان مشاهده کرد. درجه حرارت آبهای مذکور به ۳۱ درجه سانتی گراد میرسد. آبهای گرمتر (از ۲۷ تا ۵ درجه سانتی گراد) در یک عدد چشمدهایی که به امتداد درزها قرار دارند در منطقه ارزگان به مشاهده میرسد.

آبهای منوالی :

بسیاری از چشمدهای افغانستان دارای آبهای منوالی معالجه بی میباشند. آب چشمده ناحیه جنوب شرق بامیان از نوع کاربن دای اکسید دار میباشد، که برای تداوی بسیاری از بیماراض مانند: معده، جکر، جلدی، نساپی و غیره خیلی مؤثر ارزشیابی میشود. علاوه بر چشمده فوق چشمدهای

منزالی مشهور دگری در نزدیک هرات نیز موجود است . همچنان چشمه آبهای منزالی به امتداد سلسله کوههای هندوکش ، کوه بابا ، پارا پامیز نیز وجود دارند . آبهای منزالی در کوههای پکتیا نیز کشف گردیده است . در نتیجه گفته میتوانیم که ذخایر بزرگ آبهای منزالی در کشور ما وجود دارند که مشهورترین آن عبارت اند ، از : چشمه اویی هرات ، چشمه شفا در مزارشیف ، چشمه های استالف ، چشمه های دره کالو دره اجر در بامیان ، چشمه های تنگی موسهی لوگر وغیره .

فصل سوم

خسارات واردہ به ذخایر معدنی افغانستان

برای انکشاف و تکامل اقتصادی یک کشور داشتن ذخایر و منابع معدنی یک امر ضروری و ختمی است . در بارهء قامی منابع معدنی کشور تا حال تحقیقات لازم و کلی به عمل نیامده است . تا جایی که تحقیقات و تفحصات به عمل آمده افغانستان دارای منابع معدنی است که در نقاط مختلف کشور موقعیت دارند .

معدنی که قبل از سال ۱۳۵۷ ش تحقیق و برهه برداری قرار داشت قرار ذیل بود : معدن لاجور بدخسان ، معدن زمرد پنجشیر ، یاقوت جگدلك سرویی ، معدن کونسیت نورستان ، معدن بیروج و تورمالین کنراها ، معدن

تالک اچین و ماماخیل ، معادن زغال سنگ صفحات شمال و
کرخ هرات ، معادن نمک ، معدن باریت سنگلان هرات وغیره .
همچنان یک عده معادن که استخراج آن برای دولت
اقتصادی قام غیشد به اجاره داده شده بود مانند : سنگ شاه -
مقصود ماهیبز ، معدن کج ننگرهار ، پعدن کج کندهار ،
معدن گل سفید للندر ، معدن گل سرسوی اویازک وغیره .
بعضی از معادن در جریان بیست سال اخیر از طرف
گروهها و افراد غیرقانونی تفحص و تثبیت شده اند که تا هنوز
به شکل رسمی در گزارش‌های وزارت معادن و صنایع ثبت
نمیباشند . برای مثال میتوان از معدن زغال سنگ در ولایت
ننگرهار (ولسوالی کوت) و معدن طلا در ولایت بغلان نام
برد .

چنین معادن در چند ولایت دگر کشور نیز به مشاهده
میرسند . بعد از سقوط حکومت نجیب الله ۱۹۹۲ م و عدم
موجودیت حکومت مرکزی گروههای تشکیل گردیدند که کار
عمده آنها تفحص واستخراج سنگهای قیمتی کشور بود .
آنها وسایل استخراجی را از قبیل برمدهای چینایی ، جاپانی
وسویسی از پنجشیر ، بدخسان و کنرا که در آن جا قبلأ
استخراج سنگهای قیمتی ادامه داشت به دست آوردند . این
گروهها با وسایل دست داشته واستفاده از مواد انفلاتی در
ولایات مختلف کشور مصروف به دست آوردن سنگهای
معدنی گردیدند . گروههای جدید وغیرفناً عمداً از مشوره

های سنگ فروشان غلک مندوی شهر پشاور استفاده میکردند .
گونه های متنوعی را از ساحه های مختلف کشور برای ثبت
نوعیت و کیفیت آن به پشاور میآوردند و بعد از اخذ مشوره
های مثبت به کارهای خود ادامه میدادند . این گونه روابط
بین خریداران غلک مندوی و حلقه های تفحصی استخراج
غیرقانونی در داخل افغانستان ایجاد شد که تا هنوز وجود
دارد . بعضاً گروههای مذکور اشخاص فنی و مسلکی این
رشته را از کشورهای همسایه به داخل کشور نیز دعوت
میکردند .

سنگهای معدنی که از داخل کشور به طور غیرقانونی
به شهر پشاور آورده میشوند ، در مقازه های غلک مندوی شهر
پشاور به فروش میرسند . در مقازه های مذکور همه بین
انواع سنگهای معدنی کشور ما به مشاهده میرسند . در بین
این انواع مواد مفیده معدنی . تجارت سنگهای قیمتی و
تزئینی رونق خوب دارند که مقدار زیاد آن به کشورهای
امریکا ، جرمنی ، سویزیلند ، هندوستان و هانگکانگ انتقال
میگردند .

افغانها بی که مصروف تجارت سنگهای معدنی در
پشاور استند غیتوانند به شکل قانونی و رسمی اموال خود را
به کشورهای خارجی صادر نمایند . آنها مجبور میشوند که
اموالی صادراتی خود را در اختیار ایجنسیهای تجاری
پاکستان قرار دهند . ازینرو سنگهای قیمتی کشور ما در

بازارهای جهانی با هویت افغانی آن عرضه نمی‌شوند.

قبل از این که به خسارات واردہ ذخایر سنگهای معدنی کشور بپردازیم لازم است خسارات واردہ به مؤسسات حکومتی علمی که امور و فعالیتهای ذخایر معدنی کشور را تنظیم و به پیش میبردند، نیز آشنایی حاصل نماییم.

خسارات واردہ به مؤسسات علمی جیولوژی:
وزارت معادن و صنایع:

حکومت وقت افغانستان جهت ثبت تثبیت، تفحص،
اکتشاف واستخراج ذخایر معدنی افغانستان توجه فراوانی داشت. همه امور تحقیقاتی و فعالیتهای جیولوژیکی در چوکات وزارت معادن و صنایع در سه ریاست عمومی تنظیم گردیده بود:

۱ - ریاست دتیلو ملی مؤسسه:

این مؤسسه تمام امور تفحصاتی واستخراجی مربوط به منابع و معادن نفت و گاز در کشور را به پیش میبرد.

۲ - ریاست سروی معادن و جیولوژی:

این ریاست تمامی امور خود را در دو بخش جیولوژی و سروی معادن تقسیم کرده بود. هر بخش چندین گروه داشت و گروهها به ساحه‌های مختلف کشور جهت نقشه بردازی

جیولوژیکی ، سروی ، تفعص و اکتشاف معادن فرستاده
میشندند ..

۳ - ریاست استخراج معادن :

این ریاست وظایف استخراج و بهره بردازی از معادن مواد مفیده جامد را به عهده داشت . در جریان جنگهای بیست ساله شدید ترین صدمه ها را معادنی متحمل شدند که قبل اتحت استخراج بودند ، زیرا با آغاز کودتای هفت ثور و شعله ور شدن جنگها در ولایات مختلف کشور معادن مذکور از اختیار حکومت وقت برآمدند و به دست اشخاص و افراد قرار گرفتند که اکثریت این معادن اهمیت مهم و ستراتیژیکی داشتند . همچنان تحقیقات و تفعصات جدید جیولوژیکی در این مدت زمان قسماً و بعداً به صورت کلی با موانع ورکود مواجه گردیدند که یک وقفه بسیار طویل در تاریخ مطالعات جیولوژیکی کشور محسوب میشود .

مرحله دوم خسارات واردہ به وزارت معدن و صنایع بعد از سقوط رژیم نجیب الله ۱۹۹۲ آغاز شده است .

کمپلکس لاپراتواری بسیار مجهز ریاست سروی معادن وجیالوجی که در پهلوی مسلح نزدیک پُل میکروبریون اعمار شده بود در اثر جنگهای تنظیمی شدیداً خسارة مند گردید . و پهابیل مُدرن تُخنیکی لاپراتوارها از قبیل ماشینهای رنتگن ، سپکتروال ، میکروسکوپهای الکترونی وغیره به غارت پرده

شدند و در بازارهای کشورهای همسایه به پول بسیار ناچیز فروخته شدند.

در کمپلکس متذکره غونه های احتجاج و سنگهای معدنی که در جریان نقشه برداری جیولوژیکی، تفحص و سروی معادن جمع آوری میگردید مورد اanaliz و تحلیل قرار میگرفتند.

در کمپلکس لاپراتواری ریاست سروی معادن و جیولوژی آرشیف بسیار غنی از گزارشها و ذخایر معدنی در نقاط مختلف کشور معده نقشه های جیولوژیکی وجود داشت. هر یک از این گزارشها در نتیجه مصارف چندین هزار دالر ترتیب داده شده بود، که همه آن یا طعمه حریق ویا در بازار توله کی فروخته شد. ضایعه این آرشیف علمی جبران ناپذیر بوده و خساره آن به میلیونها دالر میرسد.

انستیتوت پولیتکنیک کابل :

نظر به تقاضا و ضرورت وزارت معادن و صنایع در انستیتوت پولیتکنیک کابل پوهنچی جیولوژی و معادن وجود داشت که همه ساله اینجینیران ورزیده را در سه رشته: تفحص واکتشاف معادن مواد مفیده، جامد، تفحص واستخراج معادن نفت و گاز واستخراج معادن مواد مفیده جاند به جامعه خود تقدیم میگرد.

این پوهنچی هارای لاپراتوارهایی با وسائل مدرن تکنیکی شد که در کشورهای منطقه شاهنشاهی میباشد. بجزءی از

در جنگهای اخیر تنظیمی در شهر کابل همه بی لاهرا توارهای متذکره با وسایل بسیار قیمتی خود یا از بین رفتند و یا تاراج گردیدند . مونوگرافهایی که فارغان سال پنجم به ارتباط معادن مختلف کشور به رشته تحریر آورده بودند و یک آرشیف خوبی برای تحقیقات بعدی جیولوژیکی شمرده میشد از بین رفتند . همچنان این پوهنهای یک موزیم بسیار مجهزی از مترالها و احجار مختلف داشت که توسط استادان و محصلین از ساحدهای مختلف کشور جمع آوری شده بود . نمونه هایی که در این موزیم جا به جا شده بود از احجار عادی گرفته تا سنگهای معدنی قیمتی مانند لاجورد و زمرد در آن نگاهداری میشدند . این موزیم نیز در اثر جنگهای اخیر در شهر کابل مورد دستبرد اشخاص و افراد قرار گرفت . همچنان وسایل لاهرا تواری دیپارتمنت جیولوژی پوهنهای زمین شناسی پوهنتون کابل نیز تلف گردید ، که یک ضایعه بزرگ تلقی میشود .

جبارات واردہ به معادن ستراتئیزیک کشور :

در افغانستان ذخایر معدنی متعدد و مهم وجود دارند که برخی از آنها اهمیت ستراتئیزیک دارد و برخی برای اکتشاف افغانستان یا برای اعتبار تجارتی آن مفید است .
سنگهای قیمتی لاجورد ، زمرد ، یاقوت ، بیروج و گورمالین ، گونسیت همچنان ذخایر مس ، آهن ، جست ، قلعه ، بیلیوم ، ووپیلیم ، لیتیم ، تنتالیم ، باریت ، از است

ابرک و طلا از جمله منابع قابل ملاحظه معدنی افغانستان
اند.

یورانیم :

یکی از مهمترین منابع استراتیژیک یورانیم است که
اهمیت فوق العاده دارد. نظر به بعضی از گزارشات
جیولوژیکی در قسمت پایانی هلمند مجمع آتش فشانی
خانشین موقعیت دارد که از یورانیوم و دگر عناصر نادره
زمین غنی است، اما مقدار این عناصر نامعلوم است و تا این
آواخر دسترسی به گزارشها و نقشه های این ذخایر میسر نبود.
گفته میشود از زمان تجاوز شوروی به اینطرف گاه و
بیگاه ذخایر یورانیم به وسیله شورویها به غارت برده میشدند.
البته گزارشایی که توسط رئیم کابل به نشر میرسیدند
میگفتند که ذخایر یورانیم خانشین توسط کشورهای همسایه
به کمک گروههای مقاومت تاراج میشوند، البته صحت این
گزارشها قابل تأمل است و غالباً جنبه تبلیغی داشت.

سنگهای قیمتی :

لاجورد، زمرد و یاقوت از سنگهای قیمتی شناخته شده،
افغانستان به شمار میرونند ویرخی از منابع این سنگها ارزش
چشمگیر دارد. مقدار زیادی از این سنگها که در اوایل سال
۱۳۵۸ به غایش گذاشته شد ارزش مجموعی آن در حدود

شست میلیون دالر ارزیابی شده بود . این معادن با آغاز جنگها و تجاوز شورویها بر کشور ما از اختیار حکومت وقت برآمد و در دست اشخاص و افراد مقتدر افتاد . استخراج این معادن به شکل بسیار ابتداًی با استفاده از انفجارات آغاز گردید که خسارة بزرگی به ذخایر و رگهای معدنی آن وارد شده است . سنگهای قیمتی لاجورد، زمرد و یاقوت برای افغانستان یک منبع بالقوه اقتصادی محسوب میگردد که متأسفانه سبب عدم موجودیت حکومت مرکزی در کشور در بدترین حالت استخراج میگردد و سود آن - که جزء مال بیت المال و سرمایه ملی این کشور است - به جیوهای افراد واشخاص سرازیر میشود .

۱ - لاجورد بدخشان :

لاجورد بدخشان کشور ما با کیفیت بلندی که دارد از شهرت گسترده جهانی برخوردار است . معادن این سنگ معدنی در دامنه های کوه پامیر در ولایت بدخشان افغانستان قرار دارند و معدن مهم آن به نام معدن سرسنگ یاد میشود . در سال ۱۹۷۹ این معدن لاجورد از اختیار حکومت وقت خارج گشت و تا امروز زیر سلطه گروههای مسلح محلی قرار دارن . این مسأله باعث آن شده که به ارزش میلیونها دالر لاجورد از کشور ما به کشورهای بیگانه به شکل قاچاق وغیر قانونی انتقال داده شود .

معدن مذکور قبل از سال ۱۹۷۹ تحت رهنمایی انجینیران وزریزده، وزارت معادن و صنایع استخراج میشد که استخراج آن طبق یک پلان معین در سال از ۸ تا ۱۰ تن میرسد و بعداً مسدود میگردید. ولی استخراج آن امروز بدون وقفه، شب و روز توسط انفجارات، بیل، کلند ویرمه های خارجی ادامه دارد.

نظر به معلومات تجاران لا جورد نمک مندوی شهر پشاور قیمت هر کیلو لا جورد نظر یه کیفیت آن فرق میکند. چنان که قیمت آن در بازار مناطق معدنی از چهار الی هشتاد میلیون افغانی در حال نوسان است. سنگ لا جورد درجه اول یک سیم (هفت کیلو) از هفتاد میلیون الی هشتاد میلیون افغانی به فروش میرسد. درجه دوم آن چهل میلیون، درجه سوم آن به قیمت ۲۵ میلیون و به همین ترتیب درجه چهارم آن ده میلیون و پنج میلیون افغانی به فروش میرسد.

در ولایت بدخشان افغانستان چندین معادن لا جورد موجود اند که امتیاز استخراج آن از سوی مقامهای نیروهای مسلح محلی برای دوره های مختلف در بدل پول هنگفتی به اجاره داران فروخته میشود. در آن جا در چندین معدنی که به نام معادن اول، چهار و تونلک یاد میشود استخراج دوام دارد که از طرف نیروهای مسلح محلی به قیمتهاي مختلف ماهانه از پنجصد میلیون تا هفتصد میلیون افغانی به اجاره داده میشود. اجاره پانزده روز به قیمت سه صد

میلیون و ده روزه ۷۰ صد میلیون میرسد.

نظر به گفته های شاهدان عینی بعضی از اشخاص متند
و با قوماندانانی که به پول ضرورت داشته باشند به شخص با
صلاحیت درجه اول ورقه عرض پیش میکنند و خواهان کمک
میشوند ، شخص درجه اول در ورقه حکم مینویسد : « به
عارض در معدن لاجورد اجازه دو یا سه انفجار داده شود » .
شخصی که اجازه انفجار به دست آورده است هرگاه خودش
نخواهد در معدن انفجار کند میتواند همین امر را در بدل پول
به اجاره داران معدن بفروشد . در کاروبار لاجورد سه گروه
دخیل اند . گروه اول مصروف کندنکاری واستخراج لاجورد
در معدن میباشد . گروه دوم لاجور را به شهر پشاور انتقال
میدهد و گروه سوم تجارت نمک مندوی استند که آن را به
کشورهای خارجی ارسال مینماید .

لاجورد افغانی در بازارهای خارجی قیمت ثابت ندارد ،
بلکه همیشه در نوسان است . در سال ۱۹۷۹ وقتی که جزیره
هانکانگ آزادی خود را حاصل کرد قیمت لاجورد کاهش
یافت ، زیرا اکثر الاجورد افغانی در هانکانگ حکاکی
میشوند و پس از آن به کشورهای دیگر انتقال میگردند . بعد
از مدت کوتاه قیمت آن در بازارهای امریکا ، انگلستان ،
جرمنی ، هندوستان دوباره افزایش یافت و همزمان به آن در
هانکانگ نیز بازارش رونق دوباره پیدا کرد . چون لاجورد
افغانی مستقیماً از کشور ما صادر نمیشود ، بنابر آن در

مارکیتهای جهانی آهسته هویت افغانی خود را از دست میدهد . قبلًا لاجورد از ساحه های معادن توسط آسپ وقاطر و خر انتقال میگردید . اکنون با احداث سرک از چترال تا معدن لاجورد از مشکلات انتقال لاجورد نیز کاسته شده است .

ذخایر لاجورد که یکی از پُر منفعت ترین منبع اسعار خارجی برای کشور است در شرایطی تاراج میگردند که فقر ، گرسنه گی و بیسادی مردم افغانستان را از هر وقت دگر ناتوان ساخته است .

زمرد :

زمرد افغانستان با کیفیت عالی که دارد در بازارهای جهانی شهرت خوبی را کمایی نموده است . منطقه وسیع زمرد خیز کشور در ولسوالی پنجشیر موقعیت دارد . این ساحه از منطقه پربار شروع تا منطقه بی به نام سرکنه زای در نزدیکی گلبهار میرسد . در این ساحه وسیع در مناطق خنجر ، بزمال ، دشت ریووت و مکنی استخراج زمرد ادامه دارد . این معدن قبل از کودتای هفت ثور در اختیار دولت قرار داشت استخراج آن توسط انجینیران مغرب کشور با وسائل مُدرنِ تکنیکی صورت میگرفت . همزمان با تجاوز روسها در افغانستان و تشدید جنگها معدن مذکور از اختیار حکومت وقت خارج شد و به دست اشخاص نیرومند نظامی پنجشیر

افتید . به اساس گفته، یکی از باشنده گان رُخه، پنجشیر معادنی که قبل از سال ۱۳۵۷ خورشیدی توسط حکومت استخراج میگردیدند . اکنون زیر سلطه تنظیم حاکم در پنجشیر قرار دارد و در مناطق دگر ساحه زمرد خیز میتواند اشخاص و افراد محلی قریه ها نزدیک ساحه زمرد را به دست آورد . نظر به گفته های تجاران غک مندوی شهر پشاور در مناطق بزمال ، مکنی ، خنج و دشت ریورت گروههای مختلف به تعداد صد ، دوصد و سه صد نفر کار میکنند که تعداد مجموعی آنها در اوقاتی که مصروفیتهاي دگر زراعتی نباشند به سه هزار نفر میرسد .

گروههای که زمرد را به دست میآورند تسلیم قرارگاه امنیتی معدن مینماید . تجارانی که مصروف خریداری زمرد میباشند به روزهای معین در قرارگاه امنیتی جمع میشوند و زمرد استخراج شده را به بالا دوی خریداری مینمایند . آن پول مجموعی ، ده فیصد آن به قرارگاه امنیتی تسلیم میشود و متباقی به صاحبان آن داده میشود .

در بازار تجارتی زمرد نظر به خصوصیات رنگ ، شفافیت سطح شکسته گی وغیره به چهار سوت عمدہ تقسیم میشوند :

سوت اول که دارای رنگ خوب ، شفافیت اعلی و بدون داع باشد قیمت یک قیراط آن در شهر پشاور از یک صد هزار تا دو صد هزار کلدار میرسد . سوت دوم آن نیمه داغدار ،

سورت سوم آن جال و خط دار و سورت چهارم که به نام دکری (خاکه) یاد میشود که هر سورت آن دارای قیمتهاي جداگانه مibاشد .

زمرد افغانستان معمولاً در بنکاک حکامى وصیقل میگردد : کشورهای امریکا ، جرمنی ، سویس ، جاپان و انگلستان از خریداران خوب زمرد کشور ما استند . نگینهای زمرد از پنج قیراط گرفته تا بیست ، پنجاه و صد قیراط میرسند . هر قدر یک نگین وزنین باشد قیمت یک قیراط آن نظر به نگین کم وزن زمرد زیادتر مibاشد (یک گرام مساوی به پنج قیراط است) .

نظر به گفته های شاهدان عینی افراد کشورهای خارجی به معدن نیروند و هرگاه خارجی بخواهد به معدن برود باید اجازه مسؤولین منطقه را با خود داشته باشد . نظر به گفته یکی از زمرد فروشان شهر پشاور یک وقت یک امریکایی گردیوارسک نام به ساحه معدن رفته بود ، مسؤولین منطقه او را همراهی میکرد او ساحه را از نزدیک مشاهده کرد .

زمرد پنجشیر نیز مانند لا جورد بدخشان از راه چترال و نورستان به شهر پشاور آورده میشوند . البته انتقال زمرد بسیار ساده و میتواند در یک کنج جیب به بازار غلک مندوی شهر پشاور رسانیده شود .

استخراج زمرد از معدن به شکل بسیار ابتدایی توسط بیل ، کلنل ، برمه های چینایی ، جاپانی و سویسی همراه با

انفجارات صورت میکیرد ، گزینش این گونه استخراج کیفیت زمرد را پایین میآورد . در اثر انفجارات ذرایت زمرد شکسته و قسماً داغ میشود و به ذخایر مشمر معدن خسارات جبران ناپذیر وارد میآورد . به هر اندازه بی که نگینهای زمرد از احجار بیکار به طور سالم کشیده شود و به همان اندازه قیمت آن بلند میرود .

یاقوت :

یاقوت که از سنگهای قیمتی درجه دوم بوده معدن آن در جگدلك ولسوالی سروی سرار دارد . این معدن نیز مانند سایر معادن سنگهای قیمتی کشور مورد دستبرد اشخاص و گروهها قرار گرفته است . استخراج آن به شکل ابتدایی همراه با انفجارات بوده و ذخایر مشمر آن شدیداً خسارة متده گردیده است .

یاقوت استحصال شده آن در بازار غلک مندوی شهر پشاور به فروش میرسد . طبق گزارش مجله « افغانستان » یک نگین آن مبلغ پنج میلیون کلدار فروخته شده است .

سنگ شاه مقصود :

از احجار نیمه کریمه بوده . معادن مهم آن در کوه هایپر و حصارک غلچایی ولايت ننگرهار موقعیت دارند . از این که استخراج معدن ماہیپر قبل از سال ۱۳۵۷ برای دولت

غیر اقتصادی تمام میشد . چند تن از تجاران ملی کشور آن را به اجاره گرفته بود . اجاره سالانه آن در سال ۱۳۵۴ مبلغ ۲۲۰ هزار افغانی بود . طبق گزارش جدید مجله « افغانستان » در این آواخر معدن مذکور از طرف اداره طالبان سالانه به مبلغ دوصد میلیون افغانی اجاره داده شده است .

سنگهای استخراج شده، آن از راه کندهار به شهر کوتیه انتقال میگردد . در شهر کوتیه از سنگهای شاه مقصود آشیای زینتی و تسبیح ساخته میشود . بعداً به کشورهای دگر صادر میشوند . قیمت یک سیر (هفت سیر کابل) سنگ شاه مقصود در بازار آزاد از پنج تا بیست هزار کلدار میرسد .

معدن سنگ شاه مقصود حصارک غلجانی ولايت ننگهار نیز از طرف اداره طالبان به اجاره داده شده بود . از این که بین اجاره دار و اداره طالبان ولايت ننگهار کدام دعوه یی ایجاد شده معدن فعلأً بسته بوده ، کار استخراج آن فعلأً بند است .

معدن بیریل و تورمالین :

ذخایر هزارگ آن در ساحده پگماتیتی ولايت کنرا و نورستان موقعیت دارد . از منراهای بیریل و تورمالین در صنایع پیشرفتی تحقیک استفاده میشود . هرگاه منراهای بیریل خوب شفاف و بدون داغ باشد به قیمت گزاف در بازار

آزاد فروخته میشود .

معدن متذکره تا سال ۱۳۵۷ ش طبق پلان از طرف حکومت استخراج میگردید . استخراج بیریل در سومین پلان پنجساله (۱۳۴۶ - ۱۳۵۰) از این قرار بود : در سال ۱۳۴۷ شصت تن ، در سال ۱۳۴۸ هفتاد تن ، در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ همه ساله هفتاد پنج تن پیشینی شده بود . بعد از سال ۱۳۵۷ و آغاز جنگها ، معدن متذکره از تصرف حکومت وقت خارج شد و به دست گروهها و افراد محلی آن منطقه درآمد . فعلًا استخراج آن به شکل بسیار ابتدایی وغیرفني از طريق انفجارات صورت میگيرد .

ساحه ، معدن خیز بين اهالي منطقه تقسيم گردیده ، هرگنس در ساحه ، خود کندن کاري مينماید . صوفهای عميق زیر زمینی حفر گردیده ، توسط روشنایی اريکين امور استخراجي پيش برده میشود . طبق گزارش جريده ، آزاد افغانستان در مناطق معدن خیز کنراها همین اکنون به تعداد پنج برمد فعال وجود دارد . سنگهای معدنی استحصال شده برای فروش به شهر پشاور انتقال واز آن جا به کشورهای دگر جهان صادر میگردند .

طلا :

تعداد معدن طلا در کشور زياد بوده ، ولی معدن خوب و صنعتى آن به شش ميرسد . منشأ اين معدن رسوبي

وپاشان بوده ، طلای آن اکثراً به شکل دانه های نسبتاً بزرگ غیرمنظم ویا ورقه یی به نظر میرسد . قبل استحصال طلا طبق پلانهای منظمی صورت میگرفت ، مثلاً در پلان پنجساله سوم در سال ۱۳۴۷ ده کیلوگرام در سال ۱۳۴۸ بیست کیلوگرام ، در سال ۱۳۴۹ سی کیلوگرام و در سال ۱۳۵۰ چهل کیلوگرام طلا استحصال شده بود . این طلا عمدتاً از حصه های مختلف رود کوکچه و در مسیر دریای پنج از طریق ریگ شویی به واسطه ماشینهای ۲۵ متر ، دراگ Drag به دست میآوردند .

بعد از سال ۱۳۵۷ و تشدید جنگها استحصال طلا نیز متوقف گردید . البته در بعضی معادن جریان استحصال طلا به شکل عنعنه یی توسط اهالی منطقه تا هنوز جریان دارد . طبق گفته های شاهدان عینی در ساحه کوه کرکر مربوط ولایت بغلان یک معدن جدید طلا ثبت شده ، که دارای کیفیت بسیار بلند بوده ، استخراج آن جریان دارد . برای استخراج آن وسایل تخصصی و کادرهای فنی از کشور همسایه ایران دعوت شده اند .

تالک :

ذخایر تالک در بین احجار متحوله دامنه های کوه سپین غر موقعیت دارد . معادن عده ، آن به نام اچین و ماما خیل یاد میشود . معادن مذکور سالیان قبل توسط اهالی محلی

ثبت و مورد بهره برداری آنها قرار داشت :

استفاده از معدن مذکور طوری بود که هر کس برای خود یک مقدار تالک را به دست می‌آورد و آن را توسط قاطر و مرکب خود به بازار لندیکوتل انتقال میداد . در آن جا می‌فروخت و به پول آن برای خود مواد اولیه چای ، گلر ، آرد وغیره خریداری می‌کرد . چندین بهره برداری تقریباً تا اوایل دهه ۱۳۵۰ هشادامه داشت .

پس از آن این معادن در اختیار دولت قرار گرفتند . واستفاده از آن منوع اعلان شد . وزارت معادن و صنایع گروههای تخصصی واکتشافی را برای ثبت ذخایر آن وظیفه دار ساخت . پس از کودتای هفت ثور و تشدید جنگها امور اکتشافی آن ناقام ماند و معدن مثل سابق در اختیار مردم منطقه قرار داشت . استخراج دوباره آن بعد از سقوط رژیم نجیب الله شدت یافت . روزانه چندین لاری از این معادن به شهر پشاور انتقال می‌گردید .

پس از تسلط طالبان در منطقه استفاده اشخاص و افراد از این معادن منوع اعلان شد . اکنون اداره طالبان معادن متذکره را به دست اجاره داران سپرده است و اجاره داران به احاطه پوره کردن اجاره و سود بیشتر به شکل غیرفنی آن را استخراج مینماید که صدمه بزرگ به طبقات مشمر آن وارد می‌گردد .

مس عینک :

برای تثبیت ذخایر اعظمی مس از چندین سال به این طرف کارهای تفعصی و اکتشافی جریان داشت . صوفهای زیر زمینی حفر میگردید و برمد کاریهای با عمق زیاد جریان داشت . برای پیشبرد این امور به ارزش میلیونها دالر و سایل تخیکی مهیا شده بود که بعد از سقوط رژیم نجیب الله همه آنها غارت و تاراج گردید . احیای دویاره، چنین وسائل و آلات تخیکی ضریبه شدید بسر پیکر اقتصاد ملی کشور خواهد بود . معدن مذکور فعلًا بسته شده است .

معدن آهن :

ذخایر معدن آهن در مناطق مختلف کشور وجود دارند که تا هنوز به صورت فنی از آن استفاده به عمل نیامده است . طبق گزارشات رسانه های جمعی سنگهای معدنی آهن نیز به کشورهای همسایه انتقال داده شده است .

نظر به گزارش اخبار « آزاد افغانستان » در منطقه « درزله » و « حصارک » تنی خوست معدن آهن و فلزات دگر وجود دارند . اداره طالبان میخواستند که استخراج آن را با یک کمپنی خارجی قرارداد نمایند ، ولی مردم تنی با استخراج آن مخالفت نشان دادند که در اثر این مخالفت فعلًا از آن استفاده صورت نمیگیرد .

طبق گزارش برنامه پشتوى بى بى سى از باشندگان

ولایت پکتیا چنین میگوید : بین ولسوالی حاجی میدان و ولسوالی دندپتان کوهی است به نام « غونهی ». در این کوه سنگهای معدنی آهن وجود دارد و با یک کمپنی شخصی پاکستانی عقد قرارداد شده بود . سنگهای معدنی به پاکستان انتقال داده میشد و در داخل پاکستان از آن آهن به دست میآوردند . قیمت یک سیر (هفت سیر کابل) این سنگهای معدنی چهل کلدار بود .

معدن سنگ مرمر و رخام :

در مناطق مختلف کشور ، معادن سنگ مرمر و رخام نیز به کثرت دیده میشوند . قبل از سال ۱۳۵۷ استخراج سنگ مرمر به شکل اجاره به تجارت ملی کشور عقد قرارداد شده بود ، زیرا استخراج آن برای حکومت غیراقتصادی قام میشد . اجاره سالانه معادن مرمر در سال ۱۳۵۴ یکصد و هفتاد هزار افغانی بود . رنگهای مرغوبی که سنگ مرمر افغانستان دارد تقاضای زیادی برای خرید آنها موجود است . ازینرو بعد از سقوط رژیم نجیب الله اشخاص نیرومند محلی در جستجوی استخراج سنگهای مرمر و رخام گردیدند . این سنگها عمدها در مناطق نزدیک سرحد با پاکستان همچو جلال‌آباد ، کندهار و فراه و هلمند تحت استخراج واز راههای تورخم و پسپین بولدک وارد پاکستان میگردند .

به اساس گزارش جریده وفا مرمر ولایت هلمند از

بیست سال به اینسو به شیوه های غیرفنی از سوی تفنگداران استخراج و به پاکستان انتقال میشوند.

عبداللطیف منصور معاون والی ولایت هلمند در یک مصاحبه یی با برنامه پشتوى بی بی سی گفته بود: در ولایت هلمند یک معدن بزرگ سنگ رُخام وجود دارد. این معدن فعلاً به اجاره داده شده. ما تصمیم داریم که فابریکه، عجارت و نجارت که قبلاً در هلمند وجود داشت دوباره احیا نماییم و سنگهای مذکور را به لشکرگاه انتقال دهیم. به گفته های شاهدان عیتی معادن مرمر جلال آباد نیز به اجاره داده شده اند و همه محصولات آن روزانه توسط لاریها به پشاور آورده میشوند.

معدن گنج و گلهای:

معدن این مواد ساختمانی در نقاط مختلف کشور به مشاهده میرسند. قبل از سال ۱۳۵۷ نظر به شاخصهای اقتصادی استخراج آن برای دولت غیراقتصادی تمام میشد. ازینرو معادن متذکره طبق قراردادهای دو جانبی به اجاره داران سپرده شده بود. اجاره سالانه آن در سال ۱۳۵۴ ش چنین تعیین شده بود:

معدن گنج ولایت کندھار ۸۲۰ هزار افغانی، معدن گنج ولایت ننگرهار ۸۱۷ هزار افغانی، معدن گل سفید للندر ۲۶۹ هزار افغانی و معدن گلهای رنگه ۸۸۰ افغانی اجاره

شده بود .

اداره، طالبان همراه میکوشند که در مناطق تحت اداره،
شان معادن گونه گون را در اختیار اجاره داران قرار دهند .
طبق گزارش مجله، « افغانستان » معدن کج و لایت
ننگرهار که در نزدیک درونته واقع است خوشبختانه تا هنوز
اجاره دار برای آن پیدا نشده است ، با آنهم به اصطلاح بعضی
از « تجاران خوب » میتوانند با تفاهم اداره، طالبان دو سه
لایری کج را به خارج کشور انتقال دهند ، البته پول آن در
حساب بانکی آن ولایت داخل میشود .

نتیجه

کشور ما در اثر جنگهای شدید بیست ساله به یک ویرانه
مبدل گشته است . همه هست و بود اقتصادی آن یا محو و یا
هم به غارت و تاراج برده شده اند .

امروز کشور ما از نادر ترین کشورهای جهان محسوب
میشود . یکانه چشم امید ما به ذخایر بزرگ معدنی دوخته
است که با استخراج آن میتوان این کشور ویران را دویاره
احیا و بازسازی نماییم . در کشور ما ذخایر سرشار معدنی
وجود دارند . طبق گزارش نهایی سروی منابع معدنی که در
سال ۱۹۷۷ در ۴۱۹ صفحه همراه با نقشه های مختلف
جیولوژیکی تحت نظرات ملل متحد از سوی وزارت معادن

و صنایع به زیانهای انگلیسی و روسی نشر شده ، چنین واضح می‌سازد :

کشور ما دارای ۱۴۳۲ منبع معدنی است که موقعیت آن دقیقاً مشخص و تثبیت شده است . علاوه بر آن ۳۰۶ ساحه ، دگری نیز مشخص شده است که رگه هایی از مواد معدنی در آن وجود دارد .

از جمله این منابع معدنی ۵۸ مواد سوخت جامد ، ۸۹۸ معدن فلزات ، ۱۱۴ فلز نادره ، ۴ عناصر رادیواکتیف و نادره زمین ، ۱۰۵ فلز قیمتی ، ۱۱۸ معدن غیرفلزی ، ۱۴ معدن نمک ، ۲۱ معدن سنگ قیمتی و نیمه قیمتی ، ۲۳ معدن الکترونیک واپتیک نشان داده شده اند . تعداد مجموعی ذخایر معادن صنعتی کشور ۷۸ بوده ، که به مجرد استخراج آن ارز بیشتری به کشور ما سازیر خواهد گردید . با وجودی که چنین منابع سرشاری که در کشور ما وجود دارند مردم غیور یا گرسنه گی و غربت پنجه نرم میکنند و زنده گی بخور وغیری را به سر میکشند .

فرزندان اصیل این وطن و حکومتهای آینده باید متوجه این ثروتهای زیر زمینی شوند و آن را به سود مردم افغانستان استخراج و دستهای چپاولگران منفتحو را از منابع سرشار طبیعی ما بکوتاه سازند .

در صورت مساعد شدن شرایط صلح وایجاد یک حکومت نیرومند مرکزی اولین منبع بالقوه اقتصادی که برای

اعمار ویاسازی کشور اهمیت بزرگ دارد معادن سنگهای قیمتی همچو لاجورد ، زمرد ، یاقوت وغیره اند ، که میتوان به وسیله آن زخمهای عمیق اقتصادی این کشور را مداوا کرد .

ولی متأسفانه این منابع بالقوه وهم اقتصادی در زمان جنگهای بیست ساله در کشور بد گونه فاجعه آمیز استخراج و تاراج گردیده اند که تا هنوز ادامه دارد .

استخراج این سنگهای قیمتی به شکل بسیار ابتدایی ، غیرفنی وهمراه با انفجارات ویرانگر صورت میگیرد ، که در اثر این انفجارات طبقات وذخایر مشر رگهای معدنی شدیداً خساره برداشته است . بدین معنی که اشخاص وگروههای بی مسؤولیت جهت به دست آوردن یک نگین دهها وصدها نگین دگر آن معدن را توسط انفجارات با خاک یکسان کرده اند . درحالی که نظر به قوانین ملی وین الملکی کوهها ، تپه ها ، دشتهای لا مزروع جنگلات و منابع معادن زیر زمینی همیشه ملکیت سلطانی و دولتی همان کشور شمرده میشود وجزء مال بیت المال آنها میباشد . هیچ گروه و هیچ فرد به هیچ وجه حق آن را ندارد که از این دارایی ملی سو استفاده کند .

پیشنهادات :

نمایی عرصه های اقتصاد ملی کشور در دوام جنگهای دو دهه اخیر شدیداً متأثر شده ، احتیاج به احیای دوباره

و بازسازی دارند . ذخایر منابع معدنی در بازسازی این کشور نقش عمده وقاطع دارند ، لهذا پیشنهاد مینماییم ، که : اشخاص و گروههای مقتدر که احساس و دلسوزی در برابر مردم وطن و منافع ملی کشور خود داشته باشند هر چه زودتر استخراج ، بهره برداری و قاچاق سنگهای معدنی در مناطق تحت تسلط خود را منوع اعلام کنند و به هیچ کس اجازه ندهند که این سرمایه، ملی را غارت و تاراج کنند .

هیچ گروه سیاسی حق قانونی ندارد که قبل از به وجود آمدن یک حکومت مرکزی سرتاسری به استخراج معادن مناطق خود بپردازند . زیرا در شرایط فعلی پولی که از مدرک استخراج معادن به دست آورده میشود در راه خدمات عامه به مصرف نمیرسد ، بلکه برای تقویه گروههای جنگی و ویرانی کشور از آن استفاده میشود .

به اجاره دادن معادن آنهم به اشخاصی که همه محصولات آن را به خارج از کشور انتقال میدهد جداً خود داری شود ، زیرا اجاره داران هیچگونه دلسوزی به ذخایر مشتری معادن ندارند . وجهت به دست آوردن سود بیشتر همه ذخایر مشتری معادن را توسط انفجارات با خاک یکسان میسازند . دگر این که در شرایط فعلی از محصولات آن در داخل کشور استفاده نمیشود ، بلکه به خارج انتقال داده میشود . در حالی که در بازسازی آینده کشور به آن اشد ضرورت محسوس است . در نقاط مختلف کشور به تعداد

۱۱۲ منبع آبهای منزالی معالجه یی موجود اند . این آبهای از اعماق زمین به شکل چشمه ها در سطح زمین جریان دارند و در تداوی امراض گونه گون از این آبهای استفاده ، خوبی صورت گرفته میتواند . هرگاه تجارتان ملی و یا گروههای مسلط در کشور در جوار معادن مهم آبهای منزالی همچون چشمه های استالف ، چشمه ، اویی هرات ، چشمه ، شفا مزارشیف ، چشمه های گرم و داغ دره ، کالو ، و دره ، اجر ولایت بامیان استراحتگاهها و حوضهای آبیازی بسازند از یک سو منبع خوب عابداتی خواهند بود و از سوی دگر کمک بزرگی با هموطنان محتاج به آبهای منزالی شده میتواند . همچنان آبهای منزالی این چشمه ها یا کیفیت بلندی که دارند ، میشود بوتل بندی گردد و به داخل و خارج کشور از آن استفاده شود .



سرچشمه‌ها

- ۱ - جیولوژی عمومی بالاساسات جیولوژی افغانستان :
و. ا. سلاوین - انتشارات میر ماسکو ، ۱۹۸۴ م .
- ۲ - جغرافیه، عمومی افغانستان - محمد اکبر شورماج
نوزستانی ، کابل ، سال ۱۳۵۰ ش .
- ۳ - افغانستان ، بهره برداری شوروی و ثروت‌های طبیعی
عبدالرؤف آصف و پروفیسرو جان شوردر ، پشاور ، ۱۳۷۸ ش .
- ۴ - راپور به ارتباط لاجورد افغانستان - برنامه
مجله، انسیائی میانه، بی بی سی ، سال ۱۹۹۷ اکتوبر .
- ۵ - مجله، افغانستان ، د افغان اطلاعاتی مرکز خبرونه
سال پنجم، شماره ۱۵ ، جوزا ، سال ۱۳۷۷ ش .

۶ - آزاد افغانستان ، لومهی کال ، لومهی گنه ، ۱۳۷۷
ش کال .

۷ - آزاد افغانستان ، لومهی کال دویمه گنه ، ۱۳۷۷
کال ، ثور میاشت .

۸ - گزارشی به ارتباط زمرد پنجشیر - برنامه پشتوى
بى بى سى ، سال ۱۳۷۷ ، برج سلطان .

۹ - گزارشی به ارتباط سنگ سمرمر و روخان و سنگهاى

معدن آهن - برنامه پشتوى بى بى سى سال ۱۳۷۶ ،
برج سنبله .

۱۰ - يادداشتیاهای شخصی از مصاحبه‌های شفاهمی با

افراد مناطقی که در آن استخراج معدن جریان دارد .

۱۱ - د افغانستان کالانی ، کابل ، ۱۳۵۵ کال ، د

اطلاعات اوکلتور وزارت .

KRIS

B

5.41

ZAH

8094

Serial No. 4-

Twenty Years War and Destruction of Natural Resources in Afghanistan

By

Eng. Stanamir Zaheer

Published

By

Afghanistan Study Centre (ASC)

Copies

2000-

Peshawar

1998-

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library